

سلیمان میرزا - آقا شیخ ابراهیم - دکتر حیدر میرزا - آقا شیخ رضا - میرزا یانس - صدر العلماء - ذکاء الملك - وحید الملك - آقا سید محمد رضای مساوات - آقا سید جلیل - آقا سید حسین کزازی - حاج وکیل الرعا - دکتر امیرخان - لسان الحکماء - منتصر السلطان - علی زاده - حاج شیخ علی - آقا سید حسین ادینی - ابوالقاسم میرزا - آقا میرزا احمد آقا شیخ مهدی نجم آبادی - حاج مین الرعیاء - ضیاء المآلت - نیر السلطان - حاج عز المآلت - آقا شیخ غلامحسین - تربیت - دکتر اسمعیل خان - آقا شیخ محمد خیابانی .  
رد کنندگان (۳۲) نفر .

آقا میرزا اسدالله خان - حاج میرزا رضاخان آقامیرزا رضا خان - آقا میرزا ابراهیم خان - آقا میرزا قاسم خان - مشیر حضور - عز الملك فرزانه - معزز الملك - آقا شیخ علی شیرازی - دهخدا - بهجت اویاب کیخسرو - دکتر سعید الاطباء آقا سید محمد رضای همدانی - حاج سید نصرالله معذل الدوله - آقا محمد پروجری - افتخار الاعظین طباطبائی - اعتصام الملك - دکتر لقمان - شبانی - انتظام الحکماء - معاضد السلطنه - ادیب التجار - حاج محمد کریم خان - متین السلطنه - دکتر علی خان - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج آقا - آذینه محمد خان .

با صورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان محترم و تصحیح حضرت آقای آقا میرزا قاسمخان مقابله شده صحیح است .

**جلسه ۴۵۹ صورت مشروح روز سه شنبه ۱۵ جمادی الاخری ۱۳۲۹**

نایب رئیس - آقای متین السلطنه سه ساعت و نیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده و پس از بکریع مجلس رسماً تشکیل شد صورت مجلس روز سه شنبه را آقای آقامیرزا ابراهیم خان قرائت نمود .

آقایانیکه در جلسه قبل غائب بودند: ناصر الاسلام بدون اجازه - معتمد التجار - حاج شیخ رئیس با اجازه غائب - آقا شیخ محمد حسین نیساعت حاج آقا ( ۵۰ ) دقیقه از حضور در وقت مقرره تأخیر نموده لواء الدوله مریض بودند

**نایب رئیس** - آقای حاج آقا در صورت مجلس فرمایشی دارند .

**حاج آقا** - در ضمن عرض بنده نوشته شده است که بنده عرض کردم اخذ رأی بقیام و قعود و مثل رأی علنی است و حال اینکه هردو علنی است و بنده عرض کردم که رأی بقیام و قعود مثل رأی با ورقه است چه که در آنجا امتناع کنندگان معلوم می شود در رأی قیام و قعود هم باید معلوم بشود

**نایب رئیس** - دیگر در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ ( اظهاری نشد ) دستور امروز قانون عقوبات - رایسورت کمیسیون بودجه راجع سید حسن و میرزا اسمعیل

مجاهد - لایحه وزارت مالیه راجع بخرانه دار کل نظر باینکه لایحه خزانه دار کل فوریتش را تقاضا کرده اند و تصویب شده است آنرا مقدم می داریم (گفتند صحیح است و رایسورت بعبارت ذیل قرائت شد) کمیسیون قوانین مالیه روز شنبه ۱۲ و یکشنبه ۱۳ و دو شنبه ۱۴ جمادی الثانی منتهی گردیده در باب لایحه قانونی تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران که بمشکلی رجوع شده بود مذاکره لازمه بعمل آمد در جلسه یکشنبه آقایان وزیر مالیه و وزیر عدلیه و معاون وزارت مالیه و در جلسه دوشنبه آقای معاون وزارت مالیه (مختار سوسر) خزانه دار کل حضور داشتند لایحه مزبور به ترتیب ذیل اصلاح شد بمجلس شورای ملی تقدیم میشود .

**نایب رئیس** - عرض میکنم که این طبع و توزیع میشود و نمایندگان ملاحظه فرموده اند گمان میکنم دیگر خواندنش لزومی ندارد (گفتند صحیح است) حالا مذاکره در کلیات است آقای بهجت در کلیات فرمایشی داشتید .

**بهجت** - بنده مخالفم .  
**نایب رئیس** - بفرمائید .

**بهجت** - بدیهی است که وزارت مالیه ماهیج ترتیب صحیحی ندارد و باید شروع کنیم باصلاحاتش و این را برای این عرض میکنم که آن وضعی را که خواهند خواست آقای مجیر و آقای معاون دیگر محتاج بدگر آن نباشند برای این که ابتدا کسی مخالف نیست در اینکه شروع در این مسائل شود چون اینها از بدیهیات است و همه میدانند و ترتیبش هم همین است که نوشته شده است ولی بجزری را ما باید بفهمیم که این دستور العمل شخصی است یا لایحه قانونی بدیهی است که ما نمی توانیم بگوییم که این لایحه قانونی است یعنی یک قانون ایمنی برای مملکت ما باشد بجهت اینکه هر روز چون یک آدم عالمی در مملکت مان آورده ایم می خواهیم یک اختیارات فوق العاده ای بدهیم برای اینکه اصلاح بکنند مفاسد را که الان میبای آن هستیم

والا این صور نیست که اختیارات ایمنی بدهیم مثل اینکه خزانه دار کل همیشه نباید بودجه مملکتی را تهیه بکند باینجهت عقیده بنده این است که این قانون نیست یک دستور العمل شخصی است حالا اگر چه دستور العمل شخص نباید یک لایحه بشود و بجهت بیاید و باید قه در هیئت وزراء نوشته شود و بوقع اجرا برود ولی چون این جا ب اختیارات فوق العاده است که داده میشود مناسب این بود که بمجلس بیاید باینواسطه عقبه بنده اینست که این باید منت داشته باشد و تصریح باسم شخص بشود برای اینکه همیشه خزانه دار کل که نباید بودجه مملکتی را تهیه بکند و بمجلس بفرستد خوب است که در تمام موارد این ملاحظه را بکنیم که این اختیارات محدود و معین است برای یک شخص خاص نه برای مطلق خزانه دار کل .

**معزز الملك مختار کمیسیون** - این که فرمودند این قانون نیست بعقیده بنده این قانون است و منتهی دلیلی که فرمودند این بود که اگر تومان میبود میبایستی اندکی باشد در صورتی که

باید یا باداره علیحده بگذارند باید وظایف همان اداره را که برای قانون مینویسد معین بکنند و اگر ندیم کدر ضمن اینکه وظایف آن اداره را معین میکنند تخطی کرد باداره دیگر آنوقت خواهیم گفت که آن مقنن و قانون گذار جاهل بوده است یا ملتفت موضوع نشده است بواسطه اینکه چنانچه مادرمجلس وقتیکه مذاکره میکنیم از هما مطلب که مطرح نشده است صحبت میکنیم و از بعضی چیزهای دیگری که متعلق بآن موضوع باشد و اگر غیر از آن صحبت کردیم خسار از موضوع است همین دور هم مقنن وقتی که برای یک موضوعی قانون مینویسد نباید تخطی بموضوع دیگری بکند والا اگر آن موضوع را معین کردیم و در ضمن از موضوع دیگر صحبت کردیم آن وقت این قانون نیست سهل است بلکه قانون گذار هم ملتفت این موضوع نشده است که چه مینویسد بنده موافق نیستم بهیچیک از این مواد وجهش هم اینست که از اول تفسیر خزانه دار را غلط تفسیر کرده است و از حالا اجازه میخوایم که تمام این مواد عرایض خودم و مخالفت خودم را ببار بکنم مثلاً اینجا من باب مثل چون مذاکره در کمیات است عرض میکنم که یک تفسیری از خزانه دار کل کرده است که معنی میبینم خزانه دار نیست و معنی اینست که این آقا مالیات خزانه دار شد و هم بنظر سایر کارهای دیگر والا خزانه دار وظیفه اش این است که چیزیکه وارد آنجا شد بچکم دولت ضبط بکند نگاه بدارد دیگر چه وارد شد که وارد کرد بکه داد رضی ایمن باو ندارد باید هر چه از طرف دولت وارد خزانه شد بدارد او را نگاه بدارد یعنی آنچه که وارد خزانه میشود که عب رشت از عایدات دولت آن را نگاهداری نماید و حساب آن را نگاه دارد که در تحت نظارت اداره من چه چیز وارد شده است و بعد از طرف دولت هر قدر حواله باو شد دیگر حق ندارد بدو یک بگوید چرا این حواله را کردی بنده چون خزانه دار دولت هستی باید هر چه دولت حواله نداد بدی و اگر مخارجی فوق العاده پیدا شده است و مجلس هم تصویب کرده است حق تو است باید حواله او را بدی نه حق تفتیش دارد نه حق محاسبات این آخرش این میشود که تمام ادارات را میخواستیم برچینیم و اینرا رئیس همه ادارات بکنیم پس این را دیگر خزانه دار نمیشود گفت و اگر مقصود خزانه دار است که تفسیرش را غلط کرده اند و باین جهت بنده تمام این مواد مخالف هستم و در هر یک از آنها عرایض خودم را اجازه میخوایم که عرض کنم .

**معاون وزارت مالیه** - بنده تصور میکنم بعد از آنیکه این لایحه از طرف هیئت وزراء پیشنهاد شد کمال مساعدت از طرف مجلس خواهد شد و حالا میبینم که بعضی از آقایان مخالفت میکنند و خیلی اسباب حیرت بنده شده است اولاً گفته شد که معلوم نیست این قانون هست یا دستور بنده عرض میکنم هیچ فرقی مابین قانون و دستور نیست هر چه که از مجلس شورای ملی بیرون برود اسم او هم قانون است هم دستور و تفاوت نمیکند که اسم این لایحه را قانون بگذاریم یا دستور هر چه میگوئید می توانید علی ای حال این یک لایحه یا یک قانون یا یک دستور است که وزارت مالیه بمجلس پیشنهاد کرده است که اگر

مجلس اورا تصویب کرد مجری بدارد و اما اینکه آقای هشترودی فرمودند که این وظایف و وظایف خزانه دار کل نیست صحیح فرمودند و وزارت مالیه و هیئت وزراء هم چون میدانستند که این وظیفه خزانه دار کل نیست از این جهت این لایحه را پیشنهاد مجلس کردند و خواستند که این اختیارات را بمجلس تصویب نمایند بعد از اینکه بنامند و خواستند یک تشکیلات و اصلاحات در امور مالیه خودشان بکنند مجبورید تمام این اختیارات را بصورتیکه در مواد بعد مذاکره خواهد شد بشخص خزانه دار کل بدهید تا اینکه بتواند با آزادی و استقلال امور مالیه شما را منظم بکند و در تحت یک قاعده و قانونی بیرون بیآورد و گمان میکنم که این لایحه هم خارج از ترتیب امور مالیه نباشد برای اینکه هر ماده ای را که ملاحظه بفرمائید یا راجع بامایات دولتی است یا راجع بصارف اوست و تمام اینها هم مربوط است باصلاحات امور مالیه و یک ماده هم راجع است بیودجه و تهیه آن و اینکه بتواند جرح و تعدیل در آن بکند آنچه که در تحت نظر وزارت مالیه است که آنرا تهیه و مرتب میکند و بهیئت وزراء پیشنهاد مینماید و از طرف هیئت وزراء پیشنهاد میشود بمجلس مقدس و باز بنده است بصورتیکه مجلس پس در واقع این اختیاری نیست که فوق العاده و خارج از قانون باشد .

**دکتر حاج رضاخان** - بنده ابتداء برای اینکه سوء تفاهمی نشده باشد مقدمه مجبورم عرض کنم که بنده نظر ندارم باین که خزانه دار در خارج است و فقط بعنوان اینکه یک خزانه دار کلی در این لایحه ذکر شده و یک موادی پیشنهاد شده است برای تعیین وظایف خزانه دار کل باینجهت مخالفم باین لایحه والا گمان نمیکند که بنده هم کمتر از آقایان جدید داشته باشم برای اصلاح مالیه مملکت و آن تجربه هائیرا هم که تا کنون کرده ایم بما بخوبی مغبمانند که نباید فقط باسم اصلاح مالیه اقتدارت غیر لازمه بدهیم اینست که عرض میکنم که باید قانون محاسبات عمومی و یک قانون دیوان محاسبات و یک قانون اساسی داریم و بحسرات نمیتوانیم بخش اینکه دیدیم یک چند روزی کارها از پیش ما خارج شد بیائیم مواد یک قانون را که شش ماه زحمت کشیده شده است تا اینکه از مجلس گذشته است نقش بکنیم در قانون محاسبات عمومی مینویسد هر وزیر مکلف است بودجه سالیانه خود را تهیه کرده بوزارت مالیه تسلیم کند و وزارت مالیه هم مکلف است که بودجه منگتنی را تهیه و مرتب و بمجلس پیشنهاد بکند و اینجا هم نوشته است که خزانه دار کل مکلف است بودجه مملکتی را تهیه بکند آیا این دو ماده با هم متناقض هست یا نیست (گفته شد متناقض نیست) همین طور در قانون دیوان محاسبات و قانون اساسی تفتیش در مالیات مملکت نظارت در محاسبات و عایدات از وظایف دیوان محاسبات است و در اینجا مینویسد که بعهده خزانه دار کل است بنده بنظرم همچو می آید و اینرا هم عرض میکنم که ممکن است این نظر بنده از روی اشتباه باشد و همینکه رفع اشتباه باشد قانع بشوم والا بنده یقین ندارم که این عرایض را که عرض میکنم ضماً همین است بلکه برای

اینکه در این کرسی نظریه قسم خورده ام مکلفم باینکه تا یک مطلبی را که مطرح میشود خوب نفهمم رای ندیم و تا وقتی هم که ملتفت نشده ام مجبورم که آنچه بنظرم میرسد عرض کنم و البته وقتیکه قانع شدم بنده هم همراه خواهم شد بنده عقیده ام اینست که دوسه ماده از این قانون بر میخورد بقانون محاسبات عمومی و دو سه ماده از این بر میخورد بقانون استخدامی که یک شور آن شده است و یک شور دیگر آن مانده است و از آن طرف آقای مختار میفرماید که البته رئیس باید اختیار اجزاء ادارات خود را داشته باشد و باینکه برعکس عرض میکنم که هیچ رئیس باو اختیار تام داده نمیشود و اگر اینطور نباشد پس قانون استخدام برای چه چیز نوشته میشود البته مستخدم باید ترتیبی وارد میشود و با یک ترتیبی خارج میشود ولی آن ترتیب را قانون باید معین میکند نه اداره اشخاص و هیچ نمیتوان در یک جا اختیار تام داد و در یکجا ضد آنرا تصویب کرد و شخص رئیس هم مرض نمیکند که خارجه باشد یا داخله مالیک روزی برای اصلاح مفاسد مملکت یک وزیر میخواستیم میگرداند بدیم از هر طرف صدها بلند میشد و ضدیت میکردند حالا نمیدانم چطور شده است که برای یک نفر خزانه دار کل هر چه پیشنهاد میشود قبول میکنم برای اینکه اصلاحات فوری باید بشود طول کشیده است در صورتیکه اینطور نیست و ضولی هم نکشیده است باین جهت بنده باین مواد و دادن این اختیارات مخالفم و عرض میکنم باسم این شخص را باید گذاشت (رفورماتور ژنرال) اصلاح کن یا اداره کن مثلا با معاون اداری و آنوقت هر چه که وظیفه اوست باو بدهیم ولی اگر فتم خزانه دار کل باید موادیکه برای تعیین وظایف او نوشته میشود تمام مطابقت بکند باسم خزانه دار کل هیچوقت حق ندارد که مداخله بکند در سایر ادارات و اگر لازم است که دخالت در سایر ادارات بکند پس خوب است یک اسم دیگری باو بدهیم در صورتیکه بنده خوب بخاطر دارم وقتی را که اینجا رأی دادیم و یک نفر مستخدم باسم رئیس خزانه خواستیم و تصریح کردیم مخصوصاً که این رئیس خزانه است علاوه بر این چهار نفر دیگر هم خواسته ایم بسمت کارهای دیگر حالا اگر چه حکم کرده ایم که تمام اصلاحات ادارات ما بتوسط همین یک نفر خواهد شد و اگر اینطور است که وزراء یقین دارم که تمام اصلاحات بتوسط همین یک نفر خواهد شد پس خوب است تمام دست از وظایف و کارهای خودشان بکشند و تمام کارها را باو رجوع بکنند که اصلاح بکنند در هر صورت بنده باز عرض خودم را تکرار میکنم که با وظایف خزانه داری کل را باین شخص بدهیم و اگر میخوایم که کارهای دیگر هم بکنند و مداخله در سایر ادارات شا بکنند خوب است یک اسم بالاتری را باو بدهیم و آن وقت تقاضای اینوظایف و بالا تر از اینرا بکنید .

**معزز الملك** - من تصور میکنم که ابتداء اگر یکوقتی بفرمائید تمام اشتباهات رفع خواهد شد برای اینکه این اشتباهات تمام حاصل می شود از کلمه خزانه دار کل ولی چرا نظر تان می رود بیک نفر خزانه دار کل چرا نیروی یک (میسون) یک هیئت و یک رئیس (میسون)

که رئیس هیئت مستخدمین ماله شما است شما خزانة دار تنها که نتوانستید شمایک هیئتی را برای اصلاح ماله خودتان خواسته اید و یکسفر آنکه رئیس این (میسبون) و این هیئت است تکلیفش خزانة داری کل است و در اوقاف این لایحه که اینجا پیشنهاد شده است برای خزانة دار کل نیست برای آن هیئت و آن (میسبون) است که برای اصلاح ماله این مملکت استخدام میشود پس اینرا ابتداءدر نظر بگیرید آن وقت داخل مذاکرات بشوید فرمودند که قانون دیوان محاسبات و قانون محاسبات عمومی داریم و این مخالف است با بعضی از مواد آن بنده منکر این هستم بحرف که نیست شما میگوئید فلان ماده این مخالف است با فلان ماده قانون محاسبات عمومی یا قانون دیوان محاسبات بنده عرض میکنم که اولاً مخالفیتی را که شما تصور می کنید از این لایحه ظاهر نمیشود ثانیاً مجلس شورا بند در این صورت هم باز ممکن است که این لایحه را رای بدهد و آن مواد را نسخ بکند و حالا اینستکه بنده قانون محاسبات عمومی یا قانون دیوان محاسبات مصالحه نکرده باشم بلکه مطالعه کرده ام و عرض میکنم که این لایحه هیچ مخالفیتی با مواد آن نخواهد داشت برای اینکه شما میفرمائید در قانون محاسبات عمومی تکلیف و ترتیب تعیین بودجه را معین کرده است رجوع می کنیم بقانون محاسبات عمومی ببینیم چه تکلیفی برای بودجه معین شده است در آنجا وقتیکه تکلیف وزیر را معین میکنند میگویند تهیه بودجه هم یکی از تکالیف وزارت ماله است ولی هیچوقت نمیگویند که حتماً وزیر ماله شخصاً بدست خودش قلم بردارد و بودجه را بنویسد و مرتب بکند و هیچ لزومی هم ندارد بجهت اینکه ممکن است یک وزیر ماله باشد که هیچ نداند تهیه کردن بودجه یعنی چه از این گذشته خوب است قدری تأمل بشود در اینکه این لایحه چه چیز است و از طرف کی پیشنهاد شده است این لایحه از طرف یک هیئت دولتی پیشنهاد شده است امضاء کنندگان این وزیر ماله است وزیر ماله هم آن حق را که برای او معین شده است یکی از مأمورین خودش واگذار می کند که انجام بدهد و در همه جا همینطور است مثلاً همینکه تعیین بودجه از تکالیف وزارت ماله باشد آیا خود وزیر ماله می نشیند بودجه را بنویسد یا بنظر نرسد وزیر ماله مأمورینی دارد که مأمور این کارند و مشغول هستند وقتیکه تهیه کردند میآورند وزیر ماله هم نظرات خودش را در آن میکند بعد از آن توسط هیئت دولت آنرا بتمام مقنن تقدیم خواهد کرد پس باین دلایلی که عرض کردم معلوم شد که هیچ مخالفیتی با قانون محاسبات عمومی نخواهد داشت بلکه باید تفکیک کرد مسؤلیت تهیه کردن بودجه مملکتی را که وظیفه وزیر است از ترتیب دادن و تهیه کردن آن که با خزانة دار کل است آنوقت عدم مخالفیتی که عرض کردم بخوبی ظاهر خواهد شد فرمودند که دوسه ماده این لایحه برمیخورد بقانون دیوان محاسبات مثلاً در خصوص تقنین در عایدات و غیره خیلی عجب است اگر شما یک ماده در قانون دیوان محاسبات داشته باشید که بگوید دیوان

محاسبات مکلف بتقنین در ماله مملکت است در اینهم چه فهمیده میشود که دیگر هیچ اداره نباید تقنین بکند وظیفه دیوان محاسبات تقنین است ولی وزیر هم مأمور تقنین است خزانة دار کل هم مأمور تقنین است هشت نفر دیگر هم مأمور تقنین است و بهیچوجه هم منافاتی باهم نخواهند داشت و هیچیک از مواد قانون دیوان محاسبات نقض نمیشود مگر چه ضرری خواهد داشت که عوض اینکه یک تقنین بشود سه تقنین بشود که ماله مملکت از تفریط شدن بهتر محفوظ بماند یکی از ایراداتشان هم بجهت مخالفت با این لایحه قانونی استخدام بود یعنی یک قانون موهومی که هنوز از مجلس نگذشته است یک قانونی که هنوز من نماندم اگر بگذرد نافع خواهد بود برای مملکت یا اینکه مضر است پس یک قانونی که از روی کمال بی ا لعی نوشته شده است و ممنوع نیست کی خواهد بمجلس آمد و که خواهد گذشت آیا ممکنست که این قانون را موکول بگذشتن آن کرد و اگر باین ترتیب باشد شاید بعد از بیست سال دیگر یک قانون دیگری بمجلس بیاید و این مخالف او باشد پس هیچ قانونی نباید وضع شود اینطور که نمی شود بلکه باید این لایحه را گذراند بعد اگر فرضاً یک قانون استخدام هم بمجلس آمد ممکنست باین قانون مطابق کرد نه این که اینرا بگذرانیم از برای آنکه با آن قانون مضایقه بکنیم و اگر هیچیک از این دلایلی که عرض کردم نبود امروز این مسئله بمنزله دوبره شده از بود یکی اصلاح ماله و یکی مقید شدن و جمودیت بطواهر قوانین در صورتیکه من تصور میکنم که تمام این قوانین و تمام این اقدامات هیئت دولت و مجلس شورا برای یک مقصود و برای اصلاح مملکت است که در اینجا اصلاح ماله است بهر طریق که میسر میشود با وجود اینکه گفتیم مخالفیتی با قانون محاسبات عمومی و قانون دیوان محاسبات در این لایحه نیست بنده باندازه سهم خود حاضر هستم که بگویم اگر هم بر فرض مخالفیتی باشد آن دو قانون هست که منافی باین لایحه هست فسخ بشود اینقانون برقرار شود.

**نایب رئیس** - بعضی از آقایان که موافق بودند و اجازه خواستند چون آقایان مخالفین که مذاکره کردند معاون و آقای مخبر دفاع کردند از اینجهت نوبت بایشان نرسید اینست که حالا یک دور اسمی آقایانرا اجازه خواسته اند میخوانم هر کس مخالف است اظهار نماید (گفتند مذاکرات کافیت) پس رأی میگیریم - آقایانیکه مذاکره در کلیات این لایحه را کافی میدانند و تصویب میکنند که داخل شور مواد بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) اکثریت است ماده اول خوانده میشود بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده (۱) - خزانة دار کل ممالک محروسه ایران مأمور نظارت مستقیم و واقعی تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تقنین محاسبات تمام مخارج دولتی میباشد.

**هشردودی** - بنده خواهش میکنم که آقایان همچو صحبت نکنند که موهوم این باشد که

آنهایکه اشکال دارند مخالف اصلاح در امور ماله هستند میخوانند توضیحات بخواهند بفهمند همچو تصور نکنند که در مصالح مملکتی اشکال دارند بنده میگویم این نوع صحبت ها خالی از نزاکت که سهل است خالی از همه چیز است شخص در لایحه قانونی اشکال دارد باید بگوید ما مشروطه شدیم برای اینکه در این لایحه که سهل است در تمام لواحق حرف بزیم دیگر صحیح است و قال و قول کردن نمیخواهد چه بنده چه بقی بنده - بنده عرض می کنم که چون نسبت باین ماده که رسیدیم و تعریف خزانة داری را کرده در واقع آن ماده اول اساس این قانون است و باین قانون است و سایر مواد روی آن ماده و پایه خواهد آمد و در کلیات بنده چنین حس کردم که آقای معاون وزارت ماله تصدیق فرمودند اظهارات بنده را که همه اینها خارج از وظیفه خزانة داریست ولی برای مصالح مملکت باید اینطور باشد بنده از آنکه تصدیق کردند اشکالات مرا باید بنده بهتر سا برین اگر دو یا ایستادن من یکقدری هم بالاتر میروم وقت رأی دادن البته از برای مصالح مملکت بنده گرم تر هم هستم از سایرین بجهت اینکه بعد از آن تصدیق کردم که این لازم است دیگر جای اشکال نیست اما لاقلاً اشکال بنده را باید تصدیق کرد و بگویند این قانون را وقتاً برای یک شخص صحیحی که تمام اصلاحات از عهده او ساخته است و از عهده بر خواهد آمد بجهت او آن قانون را منبوسیم که ما این ادارات را اصلاح بکنیم و اگر این نباشد این اصلاحات نیست آنوقت شاید بعد هم قبول میکردم بیتی و بین الله آقای معاون وزارت ماله اشکالات بنده را تصدیق فرمودند که فرمودند بعضی چیزها در توی آن ماده هست که وزراء خودشان فهمیده اند که این قانون از وظایف اداره خزانة داری است و لسی اصلاح حایه مملکت مقصود اینستکه اینها حالا باید بشود اینها غیر از فرمایشات حضرت مخبر است که ما با تاخت و تاز طوری حمله میکنیم که بنده عرض کنم نمیتوانم بکنم سهل است آنجا هم نمیتوانم بنشینم

**مهرزاملک** - مطلب را بفرمائید این وظیفه نایب رئیس است.

**نایب رئیس** - خودتان الان تقاضا میفرمودید که دیگران مراعات نزاکت را بکنند این فرمایشات شما خارج از نزاکت است.

**هشردودی** - بله تاخت و تاز که گفتیم باین معنی که رد کردن باشد بنده عرض میکنم ماده اول که میگوید خزانة دار مملکت محروسه ایران مأمور نظارت و تقنین تمام معاملات پولی دولت ایران است الی آخر ماده بنده بهیچ جا چون آقای معاون اشکال بنده را در کلیات تصدیق فرمودند در اینجا هم تصدیق خواهم کرد بنده میگویم تقنین محاسبات تمام عایدات دولتی هیچ مربوط بخزانة دار کل نیست خزانة دار باید هر چه تحت ید او وارد شد در او اطلاع داشته باشد و از آنجا هم که خارج شد قبوضات دولتی مخارج دولتی هر چه هست باید بجزان آنها تحویل بدهد که خرج بکنند حالا از آنجا بعد از اینکه خارج شد و صاحبان حواله گرفتند و بردند و خرج کردند شاید تفریط کردند ما باید ایراد بکنیم

بگوئیم که چون تو خزانة دار بودی مسؤلیت بعهده تراست چون تو خزانة دار بودی وقتی هم که حواله کردند توهم باید بدهی اما وقتیکه گرفتند بردند خوردند تو مشغولی این در هیچ جای دنیایم در تمام کره زمین این قسم خزانة دار معنی نمیشود معنی خزانة دار اینستکه آنچه در تحت یدش هست البته باید آنرا حفظ بکند و بعد از اینکه باو حواله شد بموجب همان حواله بصاحب حواله برساند حالا آنها بردند خوردند دخل بخزانة دار ندارد خودشان می دانند با آنها و همچنین مأمور نظارت مستقیم است تمام معاملات دولتی که پول دولت ایران است اینرا هم بنده یا نیفهمم یا اگر فهمیده ام یک توضیح میخواهد که درست بفهمم که مأمور نظارت مستقیم یعنی چه اول لفظ مستقیم و بعد لفظ واقعی را توضیح بفرمائید تا بعد نظریاتی که دارم عرض کنم با حرارت هم لازم نیست.

**حاج آقا** - باید آقایان فراموش نکنند آن نظراتی را که روز اولی را که ما میخواستیم مستخدمین خارج را بجهت ادارات خودمان استخدام کنیم از چه نقطه نظر بود آن نقطه نظر را امروز ملت باشد بعد هر گونه اظهاراتی و ایراداتی دارید در این لایحه بکنید و ما بعد از اینکه احساس کردیم ادارات دولتی ما مرتب شدنی و خرج ادارات براه افتادن مبنی بر اینستکه یک عده را از خارج یعنی کسانی که متخصص هستند از خارج بیادیم که از عیبت آنها استفاده کرده باشیم و ترتیب ادارات ما مرتب باشد این احساس را که کردیم و دانستیم که یک همچو مردمانی بیادیند و ترتیب امور ادارات را مرتب بکنند آن وقت تصدیق کردیم مطابق آن موادیکه در مجلس تصویب شد جماعتی را بجهت اصلاحات از جمله مستخدمین امریکائی بودند که بجهت بزرگترین ادارات دولتی که ماله ایران باشد برای آن استخدام کردیم برای اصلاح ماله این هیئتی که استخدام شدند همینطور که بیان شد رئیس آنها یک شخصی است که ما او را باسم خزانة دار کل استخدام کردیم از آمریکا بآن مبنی که استخدام شده اند و آمده اند یعنی یک صرافانی باشند که باید اینجا بنشینند و یک پولهای بیست او بدهند و بعد حواله بدهند باو که این پول را باین اشخاص بدهید آنها هم یک جمعی بنویسد که صد هزار تومان پنجاه هزار تومان حواله شد بن و منهم مطابق این صورت بفلان حواله و فلان حواله دادم اگر مراد اینست که بنده تعجب میکنم که ما یک چنین اختیاری کنیم یک حرارتی بخرج بدهیم در مجلس شورای ملی برای اینکه یک صرافانی را استخدام بکنیم که بیادیند بنشینند و یک پولهای بدهند او بدهند و بعد حواله بدهند که باو بدهند این را هر صرافانی گمان میکنند که میتواند ما باید این معنی را تصدیق کنیم که ترتیب امور ما باید مرتب شود بدست علمائیکه وقتیکه واردشان میکنیم در ادارات اختیار بدستان بدهیم و نخواهیم از یک کسی که استخدام میکنیم از اقصی بلاد عالم و بیادیم بایران از برای اینکه صرافانی بکنند ما این مأمورین امریکائی را آورده ایم بجهت اینکه امور ماله ما را مرتب نمایند اختیارات ما که سهل است اختیارات ما باید بدهیم در تحت مسؤلیت با آنها همچنین نه تنها این مستخدمین امریکائی بلکه هر مستخدمینی را که میخواهیم

بیادیم برای ادارات دیگر هم باید این اختیارات را بدست آنها بدهیم و بخواهیم از آن ها که مرتب کردن اداره را که تحت نظر آنها است ما این مستخدمین امریکائی در آورده ایم برای اینکه مأمور نظارت مستقیم و واقعی تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تقنین محاسبات و تمام مخارج دولتی میباشد بدهی است یک خزانة دار وقتیکه بخواهد امور ماله دولت را مرتب بکند باید کمال داشت باشد و جزء واردات دولت است داشته باشد و همچنین کمال اختیارات را در آن چیزیکه راجع بخرج دولت است داشته باشد تا بتواند با آن خزانة دار را در ترتیب ادارات ماله دولت را بعد و جو گیری کند تا از حیث و میل مالیات دولتی اگر یک خزانة داری بداند و اختیار نداشته باشد در اخذ جوهی که گرفته میشود در اخذ مالیات و در خرجیکه میشود نظارت نداشته باشد چطور می تواند اصلاح ماله مملکت را بکند بهیچوجه نمی تواند این خزانة دار بی اختیار زمام امور ماله مملکت را بدست بگیرد و جو گیری بکند و مثل سابق خرج و مرج اداره ماله را مرتفع کند که مثل سابق نباشد که هیچ معلوم نبود که ا کجا گرفته میشود و بکجا داده میشود شالایت دیده بد و ملتفت شده اید که تمام بدبختی مملکت مادر اینستکه تمام مالیاتی که از رعیت بیچاره گرفته میشود بعنوان مالیات چه مستقیم و چه غیر مستقیم بجهت مصارف مملکت معلوم نبود که اولاً به چه طریق گرفته میشود و بعد معلوم نبود که بجهت ترتیب مصرف میشود باید یک کسائیرا بیادیم اینجا که معلوم شود این پول را که موکلین ما بدولت می دهند برای اصلاح مملکت چطور می دهند و بکجا مصرف میشود برای این اینها را آوردیم برای چیز دیگری نبود ما اگر بخواهیم باین مطلب موفق بشویم بقصود خودمان البته باید یک خزانة داری که از او می خواهیم کزمام امور ماله را بدست بگیرد و جو گیری از افراتو تقریب مالیات مملکت نکند باید اختیار بدهیم باو که نظارت تام داشته باشد در تمام ادارات مالیاتی چه در واردش چه در صادرش در تمام اینها نظارت و تقنین کامل و یک اختیار تامی داشته باشد تا اینکه آن ترتیبیکه سابق بود جو گیری شود و جو گیری شود از اختیارات تامی هر کس در ماله مملکت داشت اگر ما خواسته باشیم موفق بشویم باصلاح بنده گمان میکنم باین موادیکه در این لایحه نوشته شده است در هیچکدام نباید مخالفت کرد بجهت اینکه این چیزیکه اینجا نوشته شده راجع بدخل مملکت است و راجع بخرج مملکت و این تقاضائیکه شده است از طرف وزارت ماله اینستکه این شخصی که این اصلاحات را می خواهد بکند نظارت در دخل و خرج مملکت داشته باشد که این وجوه بصرف صحیح خودش برسد و بنده گمان میکنم که بعد از این نقطه نظر و ملاحظه که از اول داشتیم در استخدام اینها با این لایحه مخالفت جائز نباشد و البته آن اشکالاتی که آقایان می فرمایند از نقطه نظر صحیحی است و البته دشمنی که با اصلاحات مملکت ندارند و کسی هم که چنین توهمی نمیکند لکن عرض میکنم باید فراموش نکنیم نقطه نظر اولیه خودمان را و هیچوقت نباید چورد داشت بطواهر الفاظ و تصور

انشاء الله بدست عین وزراء و همین مستخدمین امریکائی که آمده اند رفع مشکلات ما را بکنند خواهد شد ولی این اختیارات را نمیخواهیم بنیست هر خزانه - داری بدیم و اینجا هم که نوشته شده است وظیفه خزانه دار کلی نیست خود آقایان هم اقرار خواهند کرد که ما این اختیارات را میخواهیم بنیست این شخص بدیم که اصلاح مالی ما را بکنند و اینکه گفته شد هر چه از مجلس بگذرد قانون است اینطور نیست اگر نظری کلی بود قانون است اگر نظر خاص داشت آنوقت يك لایحه خاص و يك دستوری میشود باین ملاحظه بنده فقط لفظ خزانه دار کل را نمیتوانم تصویب بکنم که این اختیارات را هر خزانه داری داشته باشد و بعلاوه يك چیزی را آقای ممبر برای بنده توضیح بدهند که نظارت مستقیم یعنی چه و نقطه نظر بنده این بود که در این دوازده ماده میتوانیم امرای يك شخص معین بدیم نمی توانیم بمطابق اشخاصی که خزانه دار کل هستند این اختیارات را بدیم .

**معاون وزارت مالیه** - معلوم میشود که

آقای بهجت مخالفی ندارند و در معنی همراه هستند منتهی در موضوع يك اشتباهی شده است که در موضوع اختیار تمام است که بنده مکرر شنیده ام گفته اند و هی اظهار میشود اختیار تام و حال آنکه هیچ همچو چیزی نیست برای اینکه اگر يك چنین چیزی بود و اختیار تمام میخواست فقط يك ماده پیشنهاد مجلس میکرد که يك اختیار تام بمن بدهد که در تشکيلات وزارت مالیه هر نوع تصرفات میخواهم بکنم آنوقت اختیار تام میشد لکن حدود خودش را در ۱۲ ماده پیشنهاد مجلس کرده و تکلیف خودش را کسب میکند اگر شما باو بدهد رفتار میکنند و اگر نمیدهند این اختیار اینکه خواسته پس این يك چیزی نیست که او را اختیار تام بگویند فقط در ماده اخیر اختیار اعضا را خواسته است و اینهم بدیهی است يك شخصیکه مسئول کاری است باید اختیار عزل و نصب اجزاء خودش را داشته باشد که بتواند ترتیبات اداری خودش را مجری نماید اما اینکه فرمودید بهر خزانه دار کلی نمیتوانیم این اختیارات را بدیم این صحیح است ولی مجلس هر وقت دید که يك خزانه دار کلی برخلاف این قانون که نوشته شده رفتار کرد فوراً يك ماده میشود و این را نسخ خواهد کرد و هیچ لازم نیست که اسم برده شود هر وقت خزانه دار کل مطابق این قانون رفتار و عمل کرد که شما او را میپذیرید هر وقت که برخلاف دستور مجلس رفتار کرد فوراً يك ماده يك طرح پیشنهاد شود از طرف يك نماینده باین لایحه از طرف وزراء که این قانون از این ساعت به بعد نسخ خواهد شد و این اختیار از مجلس همه وقت خواهد داشت

**معاون وزارت مالیه** - بنده تکرار میکنم اظهارات آقای معزز الملک را و عرض میکنم این عبارت را که میخواهد اینجا اضافه کنید توضیح واضح است و عرض میکنم وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت است در مقابل مجلس مطابق نص صریح قانون اساسی و آن کسیکه مستخدم وزارت مالیه است مسئول وزارت مالیه است پس معنی این لایحه متضمن این پیشنهاد آقای شبانی است و محتاج توضیحی نیست

**شبانی** - پس بنده پیشنهاد خود را استرداد میکنم و اصراری ندارم .

مستقیم فرمودند مجلس شورای ملی و وزیر مالیه و دیوان محاسبات تمام اینها نظارت دارند ولی چیزی که هست مجلس يك نظارت مستقیم ندارد که برود بدقت و حساب رسیدگی بکند و وقتی که میگویند نظارت مقصود اینست که او شخصاً داخل در نظارت است اگر همین قدر مینوشند که او نظارت دارد ممکن بود بعضی از آقایان بگویند خزانه دار کل میخواهد که اختیار مجلس شورای ملی را هم بگیرد بجهت این که این اظهارات نشود و فرق باشد بین نظارت مستقیم و غیر مستقیم نوشته شده نظارت مستقیم .

**نایب رئیس** - مذاکرات در اینخصوص گویا کافی است ( اغلب اظهار کردند مذاکرات کافی است )

**نایب رئیس** - پیشنهادی از آقای شبانی شده است قرائت میشود .

( بشارت ذیل خوانده شد ) بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد از کلمه محروسه ایران نوشته شود ( در تحت ریاست وزیر مالیه الهی آخر ) احد شبانی

**معزز الملک** - بنده تصور میکنم این پیشنهاد آقای شبانی از کثرت وضوح چندان لازم نباشد

بجهت این که اینجا وظیفه برای وزیر مالیه میخواهیم معین کنیم این حدود و وظایفی است که برای خزانه دار کل میخواهیم معین کنیم و البته این لایحه که اینجا میگذرد نسخ سایر قوانین ماکه نخواهد بود و البته ما از برای وزرای خودمان در حوزه اختیاراتشان يك وظیفه معین کردیم البته وزیر مالیه وقتیکه مسئول شد مستقر مسئولیت او نظارت و رسیدگی است و الا هیچ نمیشود گفت که يك وزیر مالیه مسئول امور مالیه مملکت است بدون این که هیچ مداخله در کار بکند البته این بدیهی است وقتیکه این نظر را داشته باشیم آن وقت این پیشنهاد توضیح واضحات است البته خزانه دار کل هر اصلاح و اقدامیکه بخواهد بکند با تصویب وزیر مالیه خواهد بود و این قید بکلی اینجا زیاد است و لازم نیست .

**شبانی** - بنده هم اینجا تذکر بودم که

تقریباً توضیح واضحات است ولی چون بعضی از آقایان اشکال کردند خواستم این توضیح واضح را کرده باشم تا این که سایر آقایان هم که در معنی موافقت با این مواد ظاهری هم همراه بشوند که يك رئیس با تقاضا حاصل شود و این اختلافات رفع شده و این لایحه زودتر بگذرد زیرا تصور میکنم که اگر آنچه نوشته کم زیاد بکنیم و این اختیار که نوشته شده بخزانه دار کل ندهیم موفق باصلاحات نشویم .

**معاون وزارت مالیه** - بنده تکرار میکنم

اظهارات آقای معزز الملک را و عرض میکنم این عبارت را که میخواهد اینجا اضافه کنید توضیح واضح است و عرض میکنم وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت است در مقابل مجلس مطابق نص صریح قانون اساسی و آن کسیکه مستخدم وزارت مالیه است مسئول وزارت مالیه است پس معنی این لایحه متضمن این پیشنهاد آقای شبانی است و محتاج توضیحی نیست

**شبانی** - پس بنده پیشنهاد خود را استرداد میکنم و اصراری ندارم .

**نایب رئیس** - پس حالا پیشنهاد را مسترد داشتند رأی میگیریم باصل ماده آقایان که ماده اول را بترتیبی که اینجا نوشته است تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - با کثرت ( ۶۰ ) رأی تصویب شد ماده دوم را بخوانید ( بشارت ذیل قرائت شد ) ماده دو - خزانه دار کل مکلف است تشکيلات ذیل را در وزارت مالیه برقرار نماید

( يك ) اداره کل دریافت مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده با مالیاتهائی که در آتیه برقرار خواهد شد ( دو ) اداره کل تقبیل و نظارت و محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفترهای راجعه بآنها .

( سه ) اداره کل معاملات نقدی که کلیه معاملات دولت با بانک و اعیان راجعه بضرر سکه و صرافى - واستقراض و مرابحه و استهلاك و استتعاله و امتیازات و قرار دادهای مالیه اعم از اینکه قراردادهای مزبور عایداتی برای دولت تحصیل نموده یا متضمن تعهدات مالیه از طرف دولت باشد با رعایت قوانین مقرر در راجع بآن اداره خواهد بود .

**معاون وزارت مالیه** - اینجا يك واو را اضافه کنید .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده مخالف در کلیات این لایحه بودم اجازه خواستم مذاکره کافی بود در ماده اول هم نوبت بنده رسید در این ماده عرض خود را میکنم نظریات آقایان بطور اجمال معلوم شد اشکالی هم که در این قانون شده است نه از راه نظری و اشکال است نه این مستخدمین و جلوگیری از اینها خیر این نیست اشتباه نشود آقای بهجت فرمودند که این عده را ما خواسته ایم که مالیه ما را مرتب بکنند این اختیارات را هم بآنها بدیم و این اختیارات باید طوری نباشد .

**نایب رئیس** - مذاکره که میفرمایند در کلیات

است و اینجا موضوع ماده دوم است که این تشکيلات را خزانه دار کل باید بدهد یا نه .

**حاج شیخ اسدالله** - بله از بیات همین خزانه دار کل است که این اختیارات نباید باو داده شود که این تشکيلات را وزارت مالیه معین بکند و این را از وظایف خزانه دار کل بشمارد و بدون اینکه معین بکند خزانه دار کل چه کسی است و دارای چه شغلی است همین شخص معین باشد یا اینکه خزانه داری میتواند این اختیارات را داشته باشد اینجا آقای معاون و جناب مخیر فرمودند که میتوانیم بعد از اینکه کثرت آقایان سر آمد یا نخواستند مشغول خدمت شوند با کمال اطمینانیکه بآنها داریم که مملکت ما را خوب میتوانند اداره کنند يك شخص دیگر آمد و شخیل این کار شد و ما اطمینان کامل در حق او نداریم .

**نایب رئیس** - گویا بهر بنده التفات فرمودید مذاکره در ماده دوم است نه در کلیات سر کار در این تشکيلات مخالف هستی یا خیر ؟

**حاج شیخ اسدالله** - بله با این تشکيلات که اینجا نوشته اند مخالفم که

خزانه دار نباید این تشکيلات را بدهد اگر این شخص معین باشد این تشکيلات را بدهد موافقم و اگر مطابق خزانه دار کل باشد که هر کس خزانه دار کل بود این تشکيلات را میتواند بدهد مخالفم **حاج عز الملک** - اینجا باید رفع اشتباهی بشود اینکه تکرار میشود چرا اسم خزانه دار کل را ننوشته است اینجا یک قدری فکر کنند رفع اشکال میشود و آن اینست نظر کنند بقانونی که در ( ۱۹ ) شهر صفر در خصوص استخدام مستخدمین امریکائی از مجلس گذشت و در آن لایحه ریاست خزانه بر حسب رأی مجلس بيك نفر مستخدم امریکائی داده شد و در این لایحه هر جا اسم برده شود خزانه دار کل مدام است رئیس مستخدمین امریکائی است پس لازم نیست که دیگر اسم شخص برده شود زیرا بموجب قانونی که عرض کردم تخصیص خزانه داری را بيك نفر دادیم و او خزانه دار کل است گویا تکرار لازم نیست و اینکه میفرمایند که چرا این اختیارات را ما باو میدیم همان طور که آن قانون اجازه داد که این شخص خزانه دار کل باشد همین قانون هم اجازه می دهد که او این ادارات را تشکیل بدهد و این هیچ منافات و مخالفتی ندارد که بگوئیم چون او را برای خزانه داری خواسته ایم چرا این اختیارات را باو میدیم مجلس شورای ملی میتواند بموجب لایحه که وزارت مالیه پیشنهاد کرده است که اجازه بدهد امور مالیه را رئیس مستخدمین امریکائی مرتب کند ادارات آنرا تشکیل بدهد و این ادارات را حس میکنم که برای وزارت مالیه لازم است و کسی غیر از این نمی تواند تشکیل بدهد و این جمله هیچ مخالفتی با قوانین موضوعه ندارد

**دکتر حاج رضا خان** - بنده خیلی

متشکر از نماینده محترم که اگر همین شکل جواب ما را بدهد قانع خواهیم شد که این خارج از وظیفه خزانه داریست ولی برای اصلاحات مالیه مملکت لازم شده است که بيك خزانه دار کلی يك همچو اختیاراتی داده شود اما اگر بخواهند باسم خزانه دار کل بقبولاند که اینها وظیفه خزانه دار کل است این هیچ نخواهد شد و بعنوان اینکه ( ارتیکل ) مملکتی در پیش است این نخواهد شد میگویند اداره کل دریافت مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده یا مالیات هائیکه در آتیه برقرار خواهد شد بنده نمی دانم خزانه دار کل این حق را خواهد داشت و ما همین شکلی که بيك خزانه دار کل خواستیم بکنفر را هم برای مالیات مستقیم خواستیم بنده نمیدانم از کجا خزانه دار کل برتری بر مأمور اداره مالیات مستقیم دارد که ریاست اداره مالیات مستقیم را واگذار میکنیم بخزانه دار کل آیا اینجا هیچ میتوان از نظر دور ساخت و تعمق نکرد در اینکه يك کسیکه خزانه دار کل است این اختیارات را باو بدیم و کار بيك کسی را که متخصص است بآن کار بدیم بکسیکه متخصص در آن کار نیست و بنده استدعا میکنم که جواب ما را در راه دلیل منطقی بدهند نه اینکه هی بگویند که اصلاح مملکت لازم است بشود بنده عرض میکنم که هر کار را بکنفر متخصص باید سر آن کار گذاشت اگر ده نفر هم لازم است باید ده نفر آورد که

اختصاص داشته باشند و دیگر میبوسد که اداره کل تقبیل و نظارت و محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفترهای راجعه بآنها ایات صورت نخواهد کرد که تقبیل و محاسبات کلیه عایدات راجع نیست بخزانه دار کل چون بنده فقط خزانه دار کل میبینم و هیچ اسم کسی را ننوشته نمی بینم برای اینکه نظر ندارم که چون خزانه داری کل تعلق بسبب شوستر میگیرد و حالا تقویض میکنیم وظیفه دیوان محاسبات و وزارت مالیه و مجلس مقدس را باو و تصویب میکنیم بنده باز خواهش میکنم که اگر اینجا فوق العاده کابینه حس کرده است که این اختیارات را که خارج از وظیفه خزانه داریست باید باو داده شود و مملکت بواسطه دادن این اختیارات بخزانه دار کل اصلاح میشود اظهار بفرمایند ما قانع خواهیم شد و اگر بخواهند بگویند که ما همان خزانه داریکه خواستیم مستقر این وظایف هست اینجا بنده مخالفم و نمی پذیرم

**معاون وزارت مالیه** - در ضمن شور در کلیات

بنده عرض کرده که این وظایفی است فوق العاده که وزارت مالیه باو میدهد و نظر بمقتضیات وقت و احتیاجات مملکتی وزراء این اختیار را باو میدهند و اینکه فرمودند ما چند نفر دیگر استخدام کرده ایم از برای مالیات مستقیم و تقبیل و جطور این حق را بخزانه دار کل میدیم بله آن شخص را که استخدام کرده ایم برای مالیات مستقیم باید او مصالحت خودش را در تحت نظارت و ریاست وزارت مالیه کرده باشد وزارت مالیه این حق را میدهد باینکه مصالحه اینکه دارد در تحت نظر خزانه دار کل بکند و بعد خزانه دار کل پیشنهاد میکند بوزارت مالیه .

**معزز الملک** علی الخصوص که اگر وقت بفرمایند

پس از تصویب ماده اول این مسئله اگر بنیاد بکلی لغو خواهد بود بجهت اینکه در ماده اول يك وظایفی معین کرده است حالا آن خوب بود باید کار ندارم باینکه اکثریت ( ۶۰ ) رأی تصویب شد پس از اینکه آماده گذشت و تصویب شد آنوقت ماده دوم چه میکند اداراتیکه برای اجراء آن تکالیف لازم است معین میکنند بنده اگر خوب است بر میخورد به ماده اول اگر بد است باز بر میخورد بنده اول وقتیکه ماده اول تصویب شد این دو ماده لازم و منزوم همدیگرند .

**نایب رئیس** - مذاکرات کافیست - رأی

میگیریم باینصورت بترتیبی که قرائت شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - با کثرت ( ۶۳ ) رأی تصویب شد ماده ۳ قرائت میشود .

ماده ۳ - خزانه دار کل در هر يك از ادارات - که گانه مذکور در ماده ( ۲ ) دوائر و شعبات را که برای جریان امور آنها لازم بداند دائر خواهد نمود .

**نایب رئیس** - مخالفی نیست ( هشتاد و

**هشتاد و دو** ) بعد از اینکه آقای معاون وزارت مالیه آن فرمایشات را که کردند معلوم میشود که بینی بین الله البته تمام این مواد بآن نظر نوشته شده است باید باین قانع شد و دیگر نوشته مخالفت کرد ولی بنده میبینم بقول آقای دکتر حاج رضا خان همچو میخواهند بگویند که این از لوازمات

خزانه داری است و الا اگر که لازم و معلوم آن نشد البته يك شخص عالمی خیلی امتیازات و امتیازات بالاتر از اینها باید داد که آنها را برای ما بکنند و صلاحان هم در اینست و بنده مخالفی که دارم در کلیه و در مواد برای این است که این وظایف خزانه دار نیست لکن ما از برای بعضی ادارات خودمان و از برای دوائر آن ادارات بعضی اصلاحات لازم داریم البته چنانکه در این ماده هم نوشته شده است میخواهم يك استفاده کلی بکنم کسی در اینجا مخالفت ندارد و البته خیلی لازم است .

**نایب رئیس** - پس شما مخالفی ندارید .

**هشتاد و دو** - مقصودم این است که بيك

دفعه اینطور میشود و این نشه که بیش آمد مخالفی ندارد ولی شبیه بر این بيك چیزی است مثلا من بيك پدر عالمی دارم بکار تمام دنیا میخورد و خیلی هم دوستش دارم ولی ملتفت نیستم آنوقت باو پول میدهم آتش میدهم جلو میدهم شورا میدهم و او هم ملتفت نیست تمام را میخورد ناخوش میشود و از این يك دفعه منتفع نمیشود من از این میترسم که تمام کارها مان را باو بدیم که وظیفه او نیست و آن مثال بشود و از او منتفع نشویم پس عدله را هم باو بدیم درست بکنند بآزم در آنجا موافقم ولی تصدیق میکنم که این از وظیفه او خارج است و آنوقت از او منتفع نخواهم شد .

**دکتر حاج رضا خان** - اینجا میگویند که

خزانه دار کل در هر يك از ادارات سه گانه مذکور در ماده ( ۲ ) دوائر و شعبات را که برای جریان امور آنها لازم بداند دائر خواهد نمود البته بيك از این دوائر دایره مالیات مستقیم خواهد بود ما بيك نفر خواستیم برای مالیات مستقیم و اینکار متخصص اوست ما نمیدانیم بچه ملاحظه امروز وزارت مالیه حس کرده است تشکيلاتی که باید در مالیات مستقیم بشود که راجع بآن متخصص است باین خزانه دار شکل واگذار میکند خوب استدلال ایشان فرمایند که بنده قانع شوم برای اینکه ما برای مدیر انباره مالیات مستقیم رأی داده ایم و بيك نفر مخصوص استخدام کرده ایم و از آمریک خواستیم و وظیفه او را میدیم بخزانه دار کل این بچه ملاحظه است و بچه دلیل .

**معاون وزارت مالیه** - عرض میکنم وزارت

مالیه نظر بحسن جریان امور و ترتیب مالیه میخواهد بيك نفر مسئول داشته باشد که سایر مأمورین جزء در تحت ریاست او شروع باصلاحات بکنند هیچ مخالفت و منافاتی هم ندارد و آن بکنفر را که استخدام کرده ایم برای مالیات مستقیم مشغول خدمت خودش باشد ولی در تحت نظر رئیس کل .

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بماده ( ۳ )

آقایانی که موافقت قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - با کثرت ( ۵۹ ) رأی تصویب شد - ماده ( ۴ ) قرائت میشود .

( ماده مزبور بشارت ذیل قرائت شد )

ماده ( ۴ ) - بعد از دایر نمودن تشکيلات مرکزی لدی الاقتصاء خزانه دار کل تشکيلاتی را که برای اداره کردن مالیات در هر يك از ولایات

لازم بداند دائر خواهد نمود .  
**بهبخت** - عقبه بنده این است که این ماده دیگر لازم نیست برای اینکه بعد از اینکه تشکیلات در مرکز تمام شد هیچ مقید کردن بر مرکز و غیر مرکز لازم نیست البته از مرکز که شروع شد در ولایات تشکیل می شود پس این لفظ در ولایات زائد است .

**معاون وزارت مالیه** - اینجا خیلی لازم است این ماده برای اینکه آن ماده بیکه ذکر شد تصریح میکند در مرکز و مقصودش اداره کل مالیات در مرکز است و این هیچ نمیرساند که در ولایات چگونه شروع میشود بعد از اینکه این ادارات در مرکز تشکیل شد در ولایات هم شروع خواهد شد .

**نایب رئیس** - مذاکرات کافی است (بعضی اظهار کردند کافی نیست)

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - معلوم میشود مذاکرات کافی است رأی میگیریم بماده (۴) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت (۶۳) رأی تصویب شد .

ماده (۵) خزانه دار کل مأمور نگاهداری خزانه مملکت است هیچ یک از معزاج دولتی بدون (در حواله جات مستقیم) و با تصدیق او (در حواله جات اعتباری) پرداخت نخواهد شد .

**دکتر حاج رضا خان** - آن ماده که با دیوان محاسبات متضاد است گویا این ماده باشد اگر نیست البته توضیح خواهند داد و مرا قانع خواهند کرد در دیوان محاسبات میباید که هیچ حواله پرداخت نمی شود مگر با تصدیق اداره تقشیر و امضاء رئیس دیوان محاسبات و اینجا عین این ماده را تحویل گرفته است بخزانه دار کل میگوید بامضای خزانه دار کل ممکن است که نظر مسیو شوستر چنانچه شده ام این باشد که دیوان محاسبات اصلا امروز لازم نیست اگر آن نظر شده بنده هم شاید همراه باشم و اگر باید دیوان محاسبات باشد آنوقت اینوظیفه هم بایشان تعین میگیرد بنده با این مخالفم .

**معزز الملک** - باز هم این جا یک اشتباهی گویا برای دکتر حاصل شده است یعنی است همچو چیزی بکسی اظهار شده است که مسیو شوستر بادیگری گفته باشند که دیوان محاسبات از برای مملکت لازم نیست چیزی که قانونش در مجلس گذشته است و لازم بوده است بطور لازم نیست اما در باب خود این ماده این جا یک جزئی اشتباهی کرده اند در دیوان محاسبات نوشته شده است که هیچ حواله بدون ثبت در دیوان محاسبات پرداخت نخواهد شد و حالا بر فرض اینکه نوشته بود بدون تصدیق یا امضاء پرداخت نشود باز منافات ندارد بجهت اینکه تصدیق یک نفر مستزم عدم امضای دیگری نخواهد شد بعلت اینکه ممکن است امضای خود وزیر هم لازم باشد و امضای دیگری هم لازم

باشد اینها هیچ باهمدیگری منافات ندارد ممکن است خزانه دار کل در حوالجاتی که مستقیماً در مرکز پرداخت میشود امضاء بکند و در حوالجاتی که در ولایات باید پرداخت شود او را هم تصدیق کند ولی ممکن است که او حواله کرده و تصدیق نموده مطابق قوانین دیوان محاسبات آنرا رد کند این منافات ندارد با تصدیق و امضای که در اینجا ذکر شده است

**معاون مالیه** - آقای دکتر رضا خان اظهار فرمودند که بنده بایشان عرض کردم که مسیو شوستر گفته است که دیوان محاسبات باید ملنا شود هیچ - همچو چیز نبود گویا اشتباه شده است در ضمن ماده (۱۱) که مینویسد مطالعات در قوانین الی آخورد که کمیسیون مطرح مذاکره بود از بنده سؤال شده که نظر اینها در مضامین قوانین چیست بنده عرض کردم که مقصود قوانین است که گذشته و قوانینی که خواهد گذشت و نظریات مسیو شوستر در قانون دیوان محاسباتی که از مجلس گذشته است میباشد و پیشنهاد مجلس خواهد بود مقصود این بوده است نه مقصود القاء

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بماده (۵) بترتیبی که قرائت شد آقایانی موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت (۶۶) رأی تصویب شد ماده ۶ قرائت میشود (ماده مزبور بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۶) - خزانه دار کل نظامنامه هائی که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مذکوره در موارد فوق لازم است تدارک نموده و نظامنامه های مذکور بمعاذ اینکه با مضامین وزیر مالیه رسید و اعلان شد لازم الاجرا خواهد بود .

**حاج بدایر اهریم** - مقصود از این نظامنامه های پس از امضاء وزیر مالیه اجرا خواهد شد نظامنامه داخلی ادارات ثلاثه است یا نظامنامه اصلاح مالیاتی است یا مقصود نظامنامه اصلاح مالیاتی است که این غلط است بجهت اینکه هر اصلاح مالیاتی که بیاید و بعد اجرا شود و اگر نظامنامه داخلی است خوب است اینطور بنویسند که نظامنامه هائی که برای ادا ذات لازم است نه اینکه برای اصلاح مالیاتی خوب است این مدافعاتی هم کمی شود از نقطه نظر آن کسی که اشکال کرده است اظهار فرمایند .

**معزز الملک** - اینجا توجه فرمودند که این مدافعه کمی شود البته از نقطه نظر خود آن ایراد کننده است قسم دیگری حرف نمی زنند اینکه اینجا نوشته است ممکن است مثلا برای اصلاح مالیات قانونی بگذرد ولی خود آن قانون مستزم یک نظامنامه هائی خواهد بود و آن نظامنامه را این شخص تهیه میکند و بنظر وزیر مالیه میرسد این دیگر اشکالی نخواهد داشت

**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست پس رأی میگیریم باین ماده (۶) بقرینگی که قرائت شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت (۶۱) رأی تصویب شد ماده ۷ قرائت میشود .

ماده (۷) برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد .

**نایب رئیس** - در این باب رایورتنی هم از کمیسیون بودجه رسیده قرائت میشود (رایورتن مزبور بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۷) لایحه وزارت مالیه در باب قانون تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران راجع بتقاضای شصت هزار تومان برای تقشیر قرائت گردید پس از مذاکرات لازمه با اکثریت آراء مطابق اصلاح کمیسیون قوانین مالیه که با حضور وزیر مالیه شده ماده (۷) تصویب گردید .

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد .

**نایب رئیس** - در این باب رایورتنی هم از کمیسیون بودجه رسیده قرائت میشود (رایورتن مزبور بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۷) لایحه وزارت مالیه در باب قانون تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران راجع بتقاضای شصت هزار تومان برای تقشیر قرائت گردید پس از مذاکرات لازمه با اکثریت آراء مطابق اصلاح کمیسیون قوانین مالیه که با حضور وزیر مالیه شده ماده (۷) تصویب گردید .

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

ماده (۷) - برای تشکیل هیئت مخصوص تقشیر مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود در صورتیکه برای تشکیل هیئت مذکور مستخدمین جدیدی لازم شود کمترین آن موافق معمول مجلس پیشنهاد خواهد شد

آنوقت البته مجلس خواهد آمد که مدت کمترین هیئت آنها معلوم شود و از حیث مبلغ دیگر در ضمن این شصت هزار تومان خواهد بود .

**آقای میرزا اسدالله خان** - بنده این جمله آخر را در اینجا زائد میدانم بواسطه اینکه امروز هر چه مستخدم لازم بوده است که بیاورند مجلس آورده اند و این عبارت زائد است آن عبارتی که اول مسیو شوستر پیشنهاد کرده بود بهتر است و محتاج باین نیست که هر دفعه ما بگوئیم که هر کس مستخدم میشود باید از مجلس بگذرد .

**معزز الملک** - برای اطلاع خاطر عموم عرض میکنم که آن لایحه که این از آن ترجمه شده است حاضر است و بدتر ترجمه شده است و فرانسها و اینجا هست ترتیبی که در رایورتن کمیسیون نوشته شده است بهتر است و خود مسیو شوستر و وزیر مالیه و وزیر عدلیه هم حاضر بودند این عبارت را که اینجا است بهتر دانستند و پسندیدند .

**محمد هاشم میرزا** - ایرادی که آقای هشتودی فرمودند ایراد صحیحی است و جواب داده شد و اینکه آقای مخیر جواب دادند مثل این است که وزارت معارف اعتباری بخواد برای مدرسه سیاسی وزیر مالیه هم اعتباری خواسته است اینطور نیست بجهت اینکه طرف اعتبار دادن باید وزیر مالیه باشد اینجا نوشته شده است بخزانه دار کل باید نوشته شود که شصت هزار تومان اعتبار داده میشود بوزیر مالیه برای تشکیل اداره که خزانه دار کل در نظر دارد و الا طرف اعتبار دادن مامستقیم خزانه دار کل نیست باید تصریح شود که بوزیر مالیه داده میشود غیر از این راجع مخالفم .

**معزز الملک** - این نظر هم تقریباً همان است کسی مخالفی ندارد اینطور هم که نوشته شده است مثل این است خود وزیر اعتبار خواست زیرا این لایحه بامضای وزیر مجلس آمده است با وجود این اگر محتاج بتوضیح میدانید اشکالی ندارد ممکن است توضیح بدهید .

**نایب رئیس** - مذاکره گویا کافی است (اظهار شد کافی نیست)

**نایب رئیس** - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند .)

**نایب رئیس** - معلوم شد که مذاکره کافی است رأی می گیریم بماده (۷) آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید خواهند انداخت و اشخاصی مخالفند ورقه آبی (در این موقع اخذ آراء گردید حاج میرزا رضا خان بعد ذیل شماره نمودند .)

ورقه سفید علامت قبول (۶۰)

**نایب رئیس** - با اکثریت (۶۰) رأی تصویب شد یک ربع تقشیر است .

(بعد از تقشیر رئیس آقای مؤمن الملک یک ساعت در ربع قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده و پس از ده دقیقه مجدداً جلسه تشکیل شد)

**رئیس** - ماده هشتم خوانده می شود (مبارت ذیل خوانده شد)

ماده (۸) - تهیه بودجه مملکتی که باید از طرف دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود یکی از تکالیف

خزانه دار کلی خواهد بود و تمام وزارتخانه ها و مستخدمین دولتی مکلف هستند اطلاعاتی را که مشارالیه لازم دارد بلا تأخیر تهیه و تسلیم نمایند .

**دکتر رضا خان** - در ماده (۷ و ۸) محاسبات عمومی که در باب تهیه بودجه است نوشته است «هر وزیری مکلف است بودجه وزارت مالیه تسلیم نمایند وزارت مالیه باید بودجه کل مملکت را تهیه کرده بمجلس تقدیم نمایند» و اینجا این تکلیف بخزانه دار کل داده شده اگر چه يك مختصر اصلاحی شده است بآن پیشنهاد بکنند از طرف وزیر شده است اصغر چه اینجا نوشته شده است تهیه بودجه مملکتی که باید از طرف دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود یکی از تکالیف خزانه دار کل خواهد بود این جمله زیاد شده است ولی هنوز رفع اشتباه بنده را نکرده است برای این که این یکی از تکالیف مختصه وزیر است تهیه بودجه مملکت و اینجا راجع شده است بخزانه دار کل .

**معاون وزارت مالیه** - این ماده ابتدا مخالفت ندارد با اظهار آقای دکتر رضا خان تهیه بودجه مملکتی که از طرف دولت باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود یکی از تکالیف خزانه دار کل خواهد بود بعد از این که خزانه دار کل باید نوشته شود که شصت هزار تومان اعتبار داده میشود بوزیر مالیه برای تشکیل اداره که خزانه دار کل در نظر دارد و الا طرف اعتبار دادن مامستقیم خزانه دار کل نیست باید تصریح شود که بوزیر مالیه داده میشود غیر از این راجع مخالفم .

**معزز الملک** - این نظر هم تقریباً همان است کسی مخالفی ندارد اینطور هم که نوشته شده است مثل این است خود وزیر اعتبار خواست زیرا این لایحه بامضای وزیر مجلس آمده است با وجود این اگر محتاج بتوضیح میدانید اشکالی ندارد ممکن است توضیح بدهید .

**نایب رئیس** - مذاکره گویا کافی است (اظهار شد کافی نیست)

**نایب رئیس** - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند .)

خزانه دار کلی خواهد بود و تمام وزارتخانه ها و مستخدمین دولتی مکلف هستند اطلاعاتی را که مشارالیه لازم دارد بلا تأخیر تهیه و تسلیم نمایند .

**دکتر رضا خان** - در ماده (۷ و ۸) محاسبات عمومی که در باب تهیه بودجه است نوشته است «هر وزیری مکلف است بودجه وزارت مالیه تسلیم نمایند وزارت مالیه باید بودجه کل مملکت را تهیه کرده بمجلس تقدیم نمایند» و اینجا این تکلیف بخزانه دار کل داده شده اگر چه يك مختصر اصلاحی شده است بآن پیشنهاد بکنند از طرف وزیر شده است اصغر چه اینجا نوشته شده است تهیه بودجه مملکتی که باید از طرف دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود یکی از تکالیف خزانه دار کل خواهد بود این جمله زیاد شده است ولی هنوز رفع اشتباه بنده را نکرده است برای این که این یکی از تکالیف مختصه وزیر است تهیه بودجه مملکت و اینجا راجع شده است بخزانه دار کل .

**معاون وزارت مالیه** - این ماده ابتدا مخالفت ندارد با اظهار آقای دکتر رضا خان تهیه بودجه مملکتی که از طرف دولت باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود یکی از تکالیف خزانه دار کل خواهد بود بعد از این که خزانه دار کل باید نوشته شود که شصت هزار تومان اعتبار داده میشود بوزیر مالیه برای تشکیل اداره که خزانه دار کل در نظر دارد و الا طرف اعتبار دادن مامستقیم خزانه دار کل نیست باید تصریح شود که بوزیر مالیه داده میشود غیر از این راجع مخالفم .

**معزز الملک** - این نظر هم تقریباً همان است کسی مخالفی ندارد اینطور هم که نوشته شده است مثل این است خود وزیر اعتبار خواست زیرا این لایحه بامضای وزیر مجلس آمده است با وجود این اگر محتاج بتوضیح میدانید اشکالی ندارد ممکن است توضیح بدهید .

**نایب رئیس** - مذاکره گویا کافی است (اظهار شد کافی نیست)

**نایب رئیس** - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند .)

**نایب رئیس** - معلوم میشود مذاکرات کافی است رأی می گیریم بماده (۴) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت (۶۳) رأی تصویب شد .

ماده (۵) خزانه دار کل مأمور نگاهداری خزانه مملکت است هیچ یک از معزاج دولتی بدون (در حواله جات مستقیم) و با تصدیق او (در حواله جات اعتباری) پرداخت نخواهد شد .

**دکتر حاج رضا خان** - آن ماده که با دیوان محاسبات متضاد است گویا این ماده باشد اگر نیست البته توضیح خواهند داد و مرا قانع خواهند کرد در دیوان محاسبات میباید که هیچ حواله پرداخت نمی شود مگر با تصدیق اداره تقشیر و امضاء رئیس دیوان محاسبات و اینجا عین این ماده را تحویل گرفته است بخزانه دار کل میگوید بامضای خزانه دار کل ممکن است که نظر مسیو شوستر چنانچه شده ام این باشد که دیوان محاسبات اصلا امروز لازم نیست اگر آن نظر شده بنده هم شاید همراه باشم و اگر باید دیوان محاسبات باشد آنوقت اینوظیفه هم بایشان تعین میگیرد بنده با این مخالفم .

**معزز الملک** - باز هم این جا یک اشتباهی گویا برای دکتر حاصل شده است یعنی است همچو چیزی بکسی اظهار شده است که مسیو شوستر بادیگری گفته باشند که دیوان محاسبات از برای مملکت لازم نیست چیزی که قانونش در مجلس گذشته است و لازم بوده است بطور لازم نیست اما در باب خود این ماده این جا یک جزئی اشتباهی کرده اند در دیوان محاسبات نوشته شده است که هیچ حواله بدون ثبت در دیوان محاسبات پرداخت نخواهد شد و حالا بر فرض اینکه نوشته بود بدون تصدیق یا امضاء پرداخت نشود باز منافات ندارد بجهت اینکه تصدیق یک نفر مستزم عدم امضای دیگری نخواهد شد بعلت اینکه ممکن است امضای خود وزیر هم لازم باشد و امضای دیگری هم لازم

باشد اینها هیچ باهمدیگری منافات ندارد ممکن است خزانه دار کل در حوالجاتی که مستقیماً در مرکز پرداخت میشود امضاء بکند و در حوالجاتی که در ولایات باید پرداخت شود او را هم تصدیق کند ولی ممکن است که او حواله کرده و تصدیق نموده مطابق قوانین دیوان محاسبات آنرا رد کند این منافات ندارد با تصدیق و امضای که در اینجا ذکر شده است

**معاون مالیه** - آقای دکتر رضا خان اظهار فرمودند که بنده بایشان عرض کردم که مسیو شوستر گفته است که دیوان محاسبات باید ملنا شود هیچ - همچو چیز نبود گویا اشتباه شده است در ضمن ماده (۱۱) که مینویسد مطالعات در قوانین الی آخورد که کمیسیون مطرح مذاکره بود از بنده سؤال شده که نظر اینها در مضامین قوانین چیست بنده عرض کردم که مقصود قوانین است که گذشته و قوانینی که خواهد گذشت و نظریات مسیو شوستر در قانون دیوان محاسباتی که از مجلس گذشته است میباشد و پیشنهاد مجلس خواهد بود مقصود این بوده است نه مقصود القاء

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بماده (۵) بترتیبی که قرائت شد آقایانی موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت (۶۶) رأی تصویب شد ماده ۶ قرائت میشود (ماده مزبور بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۶) - خزانه دار کل نظامنامه هائی که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مذکوره در موارد فوق لازم است تدارک نموده و نظامنامه های مذکور بمعاذ اینکه با مضامین وزیر مالیه رسید و اعلان شد لازم الاجرا خواهد بود .

**حاج بدایر اهریم** - مقصود از این نظامنامه های پس از امضاء وزیر مالیه اجرا خواهد شد نظامنامه داخلی ادارات ثلاثه است یا نظامنامه اصلاح مالیاتی است یا مقصود نظامنامه اصلاح مالیاتی است که این غلط است بجهت اینکه هر اصلاح مالیاتی که بیاید و بعد اجرا شود و اگر نظامنامه داخلی است خوب است اینطور بنویسند که نظامنامه هائی که برای ادا ذات لازم است نه اینکه برای اصلاح مالیاتی خوب است این مدافعاتی هم کمی شود از نقطه نظر آن کسی که اشکال کرده است اظهار فرمایند .

**معزز الملک** - اینجا توجه فرمودند که این مدافعه کمی شود البته از نقطه نظر خود آن ایراد کننده است قسم دیگری حرف نمی زنند اینکه اینجا نوشته است ممکن است مثلا برای اصلاح مالیات قانونی بگذرد ولی خود آن قانون مستزم یک نظامنامه هائی خواهد بود و آن نظامنامه را این شخص تهیه میکند و بنظر وزیر مالیه میرسد این دیگر اشکالی نخواهد داشت

**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست پس رأی میگیریم باین ماده (۶) بقرینگی که قرائت شد آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

است یکی از تکالیف خزانه دار کل است و راجع شده است بخزانه دار کل گما میکند خزانه دار کل تکلیف تهیه بودجه نباشد این که بنده اشکال میکنم از این جهت است که وزیر مالیه یا توسط خزانه دار کل یا توسط غیر خزانه دار کل البته او هم ملاحظه میکند و زاهی که زودتر تهیه میشود از آن راه بمجلس میآورد ولی دلیل این که این بهمه خزانه دار کل واگذار نموده اید در صورتیکه آن مسئولیتی که وزیر دارد خزانه دار کل ندارد چیست البته آنچه دلیل کد دارد ترفیح بدهند .

**معاون وزارت مالیه** - بنده از ابتداء عرض کردم که این وظایف که اینجا نوشته شده است تمام وظایف خزانه دار کل نیست بلکه بعضی از این مواد فوق العاده است که اختیارات بخزانه دار کل داده شده است یکی از آن اختیارات این است که تهیه بودجه کل را وزارت مالیه با رجوع کرده است حالا این منافاتی نخواهد داشت که هر وزیر بودجه وزارتخانه خودش را تهیه و بوزارت مالیه پیشنهاد میکند و وزارت مالیه بخزانه دار کل کل داد که نظریاتی دارد در اینباب بکنند و به مجلس تقدیم کند ابتدا با محاسبات عمومی منافات نخواهد داشت .

**رئیس** - آقای عز الملک اصلاح عبارتی را بفرمائید .

**عز الملک** - بلا تأخیر زائد میدانم .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی است - آقای حاج سید ابراهیم اصلاحی پیشنهاد کرده اند خوانده میشود در قابل توجه بودن رأی میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد) :

بنده پیشنهاد میکنم که این عبارت بآخر ماده هشت الحاق شود که موافق قانون محاسبات عمومی بودجه کل تنظیم شده بمجلس پیشنهاد میشود .

**رئیس** - اگر باید منضم شود جایش در آخر ماده نیست در اول ماده است حالا توضیح بفرمائید

**حاج سید ابراهیم** - مقصود بنده در اول و آخر فرق نمیکند مقصود بنده اینست که این ماده توضیح شود که برخلاف محاسبات عمومی رفتار شود و یک اختیاری علیحده داده نشده باشد و همینطور که در اینجا اشاره شد که وزیر مالیه بودجه را تنظیم میکند و مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند این هم موافق آن نوشته شود و همانطور که آقای معاون فرمودند اگر موافقت داشته باشد این هم گویا منافاتی نداشته باشد قبول بفرمائید و در اول یا آخر ماده نوشته شود .

**رئیس** - کمیسیون قبول نمیکند ؟

**معزز الملک** - کمیسیون این اصلاح را زاید میدانند بجهت اینکه همین طور که اظهار شد این ماده ابتدا مربوط نیست بآن ماده قانون محاسبات عمومی زیرا که در اینجا يك تکلیف معین کرده است که وزیر مالیه مسئول تهیه کردن بودجه مملکتی است حالا در این لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است همانطوریکه اینجا گفته شد خود وزیر مالیه ممکن است بيشمأمورد دیگری واگذار نماید در این ماده فقط تعیین این مأمور را میکند .

**رئیس** - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

(اغلب قیام نکردند) قابل توجه نشد.  
**رئیس** - قابل توجه نشد حالاً رأی میگیریم  
 باصل ماده (۸) برتیبیکه نوشته شده است آقایانیکه موافقت قیام نمایند.  
 (اغلب قیام نمودند).  
**رئیس** - تصویب شد ماده (۹) خوانده میشود (ماده مذکور بعنوان ذیل خوانده شد).  
 ماده (۹) خزانه دار کل مکلف است هر نوع صرفه جوئی که مقتضی باشد در مصارف و معاملات دولتی بعمل آورد و این یکی از تکالیف مهمه اوست  
**رئیس** - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد).  
**رئیس** - رأی میگیریم بماده (۹) برتیبیکه خوانده شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند.  
 (اغلب قیام نمودند).  
**رئیس** - تصویب شد ماده (۱۰) بمبارت ذیل خوانده شد.  
 ماده (۱۰) خزانه دار کل مکلف است هر سه ماه یکمرتبه راپورت مفصلي در خصوص وضع مالیاتی مملکت تهیه و بدولت پیشنهاد نماید.  
**رئیس** - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد).  
 رأی میگیریم بماده (۱۰) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند.  
 (اغلب قیام نمودند).  
**رئیس** - تصویب شد ماده یازدهم.  
 ماده (۱۱) بمبارت ذیل خوانده شد.  
 ماده (۱۱) خزانه دار کل معاملات لازم را در اصلاح قوانین موجوده مالمه ایجاد منابع جدیده عایدات که مقتضی و صلاح و مناسب مملکت باشد بمنجانبه که بتوسط هر هیئت دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود.  
**رئیس** - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد).  
 رأی میگیریم بماده (۱۱) آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).  
**رئیس** - تصویب شد ماده دوازدهم.  
 ماده (۱۲) اختیار ازای اداراتیکه بموجب مواد فوق در تحت ریاست خزانه دار کل دایر میشود با خود مشارالیه است.

بوزارت داخله است آنوقت میآوریم آنرا در تحت نظارت وزارت معارف قرار میدهیم اختیارات مال مجلس است (جو بنده اجازه خواسته بودم ونوبت بنده فرسید که عرض کنم حالاً کار نماند بآن) مثلاً خزانه دار کل حق ندارد در اختیارات مملکت ما یک نظری داشته باشد خصوصاً در خصوص ادارات مثلاً دیوان محاسبات را خزانه دار کل بخواهد عزل و نصب بکند این دیگر اختیاری برای دیوان محاسبات باقی نمیماند اینها بشان اجازه اختیاری است که مافوق تصور است بنده عرض میکنم که خوب است در اینجا دقتی بفرمایند که اسباب اشکال نشود.  
**معزز الملک** - ابتدا اگر چه خارج از موضوع است عرض میکنم اختیار دادن امتیازات را مطابق این لایحه قانونی کسی واگذار نکرد است بفرزانه دار کل اختیار دادن امتیازات یکی از مختصات مجلس شورای ملی است و هیچکس نمیتواند آنرا سلب بکند اما اینکه در ماده ۱۲ قید میکند راجع بدیوان محاسبات نیست ملاحظه فرمائید در ماده ۳ و ۲ نوشته شد تشکیلات ذیل را خزانه دار کل میدهد و بعد در ماده هفت که میگوید تشکیل هیئت مخصوص تقشیر را میدهد و برای اجرای این تشکیلات در ماده ۱۲ عزل و نصب و تغییر و تبدیلی که در اجرا لازم است با خزانه دار کل خواهد بود هر طوری که بداند میتواند رفتار بکند و هیچ مربوط بدیوان محاسبات و غیره نیست  
**دکتر رضاحان** - بنده اساساً هیچ مسلک اجازه نمیده که اختیار یک عده را بدست یک نفر داد بدون اینکه در تحت یک قاعده باشد ورود در اداره یا خروج آنها باید از روی یساقانونی باشد قانون استخدام نوشته شده است و شور اول آنها اینجا شده است و شور دومیش هنوز نشده است و اینجا که این اختیار را میدهیم آنوقت که شور دوم این میشود اگر بگذرد آنوقت در اداره مالمه یعنی آن تشکیلاتی که بعهده خزانه دار کل است نمی دانم از آن استثناء خواهد شد بانه بالاخره هیچ مسلک بنده اجازه نمیده که اختیار بکنفررا بمیل رئیس واگذار کرد که بمیل خود هم او را وارد کند و بمیل خود او را خارج کند باین شرایطی میبایستی مستخدم وارد اداره شود و البته میبایستی در آنجا تأمین داشته باشد که بدون هیچ تقصیری او منضم نخواهد شد از این جهت بنده مخالفم و تصویب نمیکند.  
**سلیمان میرزا** - در صورتیکه مالز بکنفر مستشار و مسئولی که از برای اصلاحات مملکت مان از دور خواسته ایم اصلاحات اداراتمان را از او میخواهیم و تشکیلات ادارات مالمه را مطابق مواد که در فوق ذکر شد از او میخواهیم باید اجازه بدیم که اشخاص را مطابق کارهایی که خودش اطلاعات و عیادت دارد انتخاب بکند و اختیار داشته باشد تا خوب بتواند آنرا اداره بکند و در این موضوع هیچ اختیار تامی نیست که بگوئیم باو یک اختیارات تامی مافوق قوانین موضوعه داده باشیم هر کس که بخواهد یک اداره را مرتب بکند و یک تشکیلاتی بدهد عنی الخصوص اداره که هنوز اساسش گذاشته نشده و بخواهد مطابق ترتیبات عملی که دارد این را تشکیل بکند محققاً باید از برای جرح و تعدیل و حقوق و ادخال و اخراج اعضاء یک اجازه و اختیاری داشته باشد و هنوز هم که

یک قانون استندامی از مجلس نگذرانیده ایم که بگوئیم این برخلاف آن قانون است گمان میکنم اگر این اختیار را باین مستخدمین ندهیم مثل اینست که ماهیچ نمیخواهیم این مواد فوق اجراء بشود اگر ما میخواهیم این مواد فوق اجراء بشود و امیدوار باشیم که یک اصلاحاتی در امور مالمه بشود و یک اداره مالمه منظم و مرتبی داشته باشیم این هم موادی است که باید تصدیق بکنم باید یک چنین اجازه بدیم تا بتوانیم همچنانکه در کلبه این مواد و لایحه بوده در این ماده هم خواهد بود.  
**رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟ قبل از اینکه رأی بگیریم باید اصلاحی را که آقای زنجانی راجع باین ماده پیشنهاد کرده اند خوانده شود آنوقت رأی بگیریم (اصلاح مذکور بمضمون ذیل قرائت شد) (اصلاح ماده ۱۲ - نصب عزل اجزاء اداری که بموجب مواد فوق در تحت ریاست خزانه دار کل میشود با خود مشارالیه است.  
**معزز الملک** - بنده تصور میکنم که این پیشنهاد خوب باشد بجهت اینکه اینجا تصریح میکند که فقط عزل و نصب باو باشد و حال آنکه چیزهای دیگری است که در ضمن مأموریت دادن بارتیب حقوق و غیره باید باشد که درین صورت این پیشنهاد شامل آنها میشود و اینجاست شامل است از این جهت کمیسیون این را نمی تواند قبول بکند.  
**آقا شیخ ابراهیم** - ببقیده بنده عزل و نصب هر مأموری در تحت امر رئیس اداره است باید عزل و نصب را هم باو اختیار داد عزل و نصب اعضاء هر اداره بدست کسی است که رئیس اداره باشد و اعضاء همه مأمور او خواهند بود او دیگر قانون نمیخواهد اینست که دیگر این را اختیاری نوشتن صحیح نیست چه نوع اختیاری باید نوشته شود عزل و نصب یا چیزهای دیگر و سند اختیار اجزاء با اوست یک حرف غیر صحیحی است باید معلوم باشد چه نوع اختیار است اما آمریت معنی اینست که آن رئیس آمریت دارد بمبارت این دیگر نوشتن نمیخواهد معلوم است.  
**رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانی قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)  
**رئیس** - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده دوازدهم راپورت کمیسیون آقایانیکه موافقت میکنند قیام نمایند.  
 (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد ماده الحاقیه میرزا یانس پیشنهاد کرده است خوانده میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم که وزارت مالمه روزنامه هفتگی رسمی داشته باشد که تمام معاملات و محاسبات وزارت مالمه در آن روزنامه درج شود و دایر کردن این روزنامه مخصوصاً با خزانه دار کل باشد که تفصیل تمام اعمال و اصلاحات خود را در آن روزنامه درج نماید تا تمام مت ناظر اصنام خزانه دار باشد.  
**معزز الملک** - این پیشنهاد نمیتواند کمیسیون قبول بکند اگر چه این مسئله ممکن است که یک فوایمی داشته باشد ولی کمیسیون بملاحظه اینکه این از موضوع این قانون خارج است نمیتواند قبول بکند مع الخصوص که در اینجا ذکر شده است که خزانه دار کل سه

ماده سه مأموریت راجع به اعمال خود را بنده حالاً اگر وزارت مالمه بخواهد یک روزنامه در وزارت مالمه باشد میتواند یک پیشنهادی بکند که از مجلس بگذرد و یک روزنامه دارا باشد.  
**میرزا یانس** - بنده وقتی که این پیشنهاد را کردم این مسئله در منظر بود دیدم آقایان و کلا با کمال شوق این اختیارات را که از طرف وزارت مالمه خواسته شده بود بجهت خزانه دار کل باو دادند و بنده هم یکی از آنها بودم که بنا کمال شوق رأی دادم که این اختیارات داده شود و مخالفین خیلی کم بودند ولی بنده یک چیزی میخواهم که صرفه اهل مملکت هم بجهت پیشرفت کار این حضرات که تازه مستخدم شدند و ما اینقدر زیاد منتظر هستیم از آنها که این کارها را بکنند خوب است اینها کارهای خودشان و اصلاحات خودشان را که میکنند هفته به هفته در روزنامه جات درج بکنند این دو خوبی دارد یکی این است که ممکن است این اشخاص مخالفین داشته باشند در میان مردم و این مخالفین اقواها در اطراف بگویند که اینجا اینطور و اینطور میکنند و چه میکنند و مردم نمیتوانند از نزد یک ناظر اعمال اینها باشند و خیال آنها را در موش میکنند و یکی هم اینکه این اختیارات را با آنها داده اند هفته به هفته به بنده چه پیشرفتاتی از آنها شده و هم بجهت آنها بیکه منتظرند از آنها خدمات زیادی ظاهر شود و بنده نمی توانم قانع شوم باین فرمایشی که آقای منبخر کردند که این دخلی باین لایحه ندارد و دلینش این است که وقتی ما رأی میدهیم در این لایحه که خزانه دار کل مکلف است که تقویه بودجه بکند و حوال آنکه خزانه دار کل در تحت مسئولیت و حکم وزیر مالمه است که هر وقت بگوید بودجه حاضر بکند حاضر میکند یک اهمیت ثانوی و ثالثی داریم اداره کردن و مطلب دادن باین روزنامه رسمی همگی از تکالیف این خزانه دار کل است که این روزنامه را همیشه او این مطالب را میدهد یعنی (نوریت) بدهد.  
**رئیس** - رأی میگیریم در این ماده الحاقیه و آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند).  
**رئیس** - قابل توجه نشد حالا مذاکره در کلیات است مخالفی نیست.  
**هشمرودی** - بنده در اول مجلس هم که میخواست مباحثه بشود در کلیاتش مخالف بودم و در بعضی موادش هم همینطور و مناط تمام مخالفت بنده اس اساسش این بود که اینک نوشته اند قانون آورده اند بمجلس و اسمش را هم قانون خزانه دار کل گذاشتند از اول این لایحه ماده بماده تا آخر بنده اینرا قانون خزانه داری میدانم و جهتش این است که در تمام مواد بنده می بینم وظایفی که باین خزانه داری داده اند که ابدأ هیچ از وظایف خزانه داری نیست و در بعضی از از مواد در کلیات چون عراض خود را کرده ام حالا هم اجازه خواستم که آقایان ملاحظه بکنند که بعد از آنکه موادش گذشت بنده هم رأی دادم و با آنها هم راهم خیر باز هم درهما مخالفت خود باقی هستم این قانون واقعاً نظر بقانون ماده کی دارد که فوق العاده باوهر کس که هست کار او را خزانه دارش میگویند آنرا بنده وظایف خزانه دار کل میدانم و فوق العاده میدانم

کاین مأموریت راجع به خزانه دار کل میدهند و می گویند که این قانون برای خزانه دار کل است و لو اشخاص خزانه داری تبادل بشوند این برود او بیاید برای او بنده اینرا قانون خزانه داری میدانم و تصدیق هم کردند و چون آقای معاون وزارت مالمه تا یک اندازه تصدیق کردند اشکالات بنده را وقتند که این وظایف خزانه دار کل نیست بعضی چیزهای فوق العاده باین مأموریت میدهند بجهت اینکه اصلاح مملکت خودمانرا بکنیم اینست که عرض میکنم که این نبایست در این قانون نوشته شود و مخالفم در کلیات باین معنی که این قانون قانونی که برای خزانه دار کل باشد نیست بایست قانون خزانه داری نوشته شود و هر چه فوق العاده باین شخص حالانی قانون خزانه دار بدیم آنها باید در ورقه فوق العاده بمجلس پیشنهاد شود ولی با اعتقاد این که لازم نبود شاید هیئت دولت خودشان میتوانستند بعضی جزئیات که صلاح مملکت است باو مأموریت بدهند و باید در این قانون درج شود و حالا هم بدرج آن مخالفم  
**معزز الملک** - خاطر محترم ایشان را متوجه میکنم که این لایحه قانونی خزانه داری نیست این لایحه تشکیل قانونی ترین مالیات دولتی است منتهی چیزی که هست در اصلاحاتی که در نظر است راجع کرده اند بخزانه دار یککل این یک چیزی است ولی نمیشود اسم این را گذاشت قانون خزانه داری بنده هم هیچ منکر این نیست که شاید جای دیگری یا وقت دیگری در ایران هم ممکن بوده که یک وظایف دیگری برای خزانه دار یککل معین شود این را بنده منکر نیستم و قیدی هم ندارم و حتماً در تمام عالم خزانه دار یککل وظایفشان اینست که ما این جانوشته ایم ولی چیزی هست امروزه بر حسب آن احتیاجاتی که داریم برای اصلاح مالمه خودمان لازم میدانم وظایف و تشکیلاتی را که در لایحه معین است بعد آوریم و این اصلاحات را از که میخواهیم از همان اشخاصیکه برای اصلاح امور مالمه خواسته ایم و دوباره تکرار میکنم که فراموش باید کرد که در جزء آن هیئتی که خواسته ایم که مأموری برای تقشیر و نظارت داریم و یک مأموری مالیات مستقیم که خزانه دار کل رئیس آن هیئت است و در هر جا که اسم خزانه دار کل نوشته شده است برای این است که دولت مسئولیت رابعهده او واگذار بکند والا نباید تصور کرد که تمام این کارها را خزانه دار کل میکند هیئتی که برای این کارها خواسته شده اند آنها هم در همین وظایفیکه این جا نوشته شده است شریک و سهم هستند و آنها هم این اقدامات را خواهند کرد پس باین نظر عرض کردم و تکرار میکنم و هیچ منافاتی ندارد.  
**رئیس** - گویا مذاکرات در کلیات کافی باشد (اظهاری نشد کافی است)  
 رأی میگیریم بتمام این لایحه که متضمن ۱۲ ماده است و تمام موادش هم با اکثریت تصویب شده است آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانی که رد میکنند ورقه آبی.

**دکتر حاج رضاحان** - بنده یک ماده الحاقیه پیشنهاد کرده ام.  
**رئیس** - وقتش گذشته است.  
 (اوراق رأی اخذ شد و آقای حاج میرزا رضا خان اوراق سفید را بنده ۶۱ و آبی را بنده ۳ احصاء نمود).  
**رئیس** - با اکثریت (شصت و یک) رأی تصویب شد.  
 فقره راپورت کمیسیون بودجه یکی راجع بهشت هزار تومان قیمت نشان قدسی و دیگری راجع بدیوان حسن خان مجاهد برای طبع و توزیع فرستاده میشود - دستور ۵ شنبه ۱۷ شور اول قانون عقیقات (۲) شور اول قانون جنگل (۳) راپورت کمیسیون بودجه راجع بدیوان اسمعیل و وراثت سید حسن مجاهد مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)  
 (بیکریم قبل از ظهر مجلس ختم شد).  
 (صورت اسامی آنها را با اوراق)  
 (۱) - رأی در ماده هفتم لایحه با اکثریت (۶۰) رأی آقایانی که تصویب کردند:  
 آقا میرزا ابراهیم خان - آقا میرزا رضاحان - معذل الدوله - طباطبائی - منتصر السلطان - آقا میرزا داود خان - آقا سید حسین کرازی - آقا سید حسین اردبیلی - حاج شیخ علی - رکن الممالک - لسان - الحکماء - دکتر امیر خان - دکتر علی خان - دکتر لقمان - حاج سید نصرالله - حاج وکیل الرعایا - آقا سید محمد رضای مساوات - دکتر حیدر میرزا معاضد السلطنه - تربیت - آقا میرزا ابراهیم قمی - انتظام الحکماء - آقا شیخ علی شیرازی - معتمدالتجار - سلیمان میرزا - میرزا یانس - آقا میرزا علی - صدرالعلماء - آقا شیخ رضا - آقا شیخ ابراهیم - دکتر سید الاطباء - آقا سید محمد رضای همدانی - ارباب کبخسرو - مشیر حضور - اعتصام الملک - حاج آقا - عز الملک - فرزانه - حاج معین الرعایا - حاج عز الممالک - آقا شیخ مهدی - آقا شیخ غلامحسین - افتخار الواعظین - نیر السلطان - ضیاء الممالک - حاج میرزا رضا خان - آقا میرزا احمد - آقا سید جلیل - ابوالقاسم میرزا - شیبانی - معزز الملک - نجات - آقا میرزا قاسم خان - آقا میرزا اسدالله خان - دهخدا - آدینه محمد خان - معین السلطنه - آقا شیخ محمد حسین - وحید الملک.  
 (۲) - رأی در کلیات لایحه خزانه داری کل تصویب کنندگان (۶۱) نفر:  
 آقا شیخ علی شیرازی - میرزا یانس - آقا میرزا ابراهیم خان - آقا شیخ ابراهیم - دکتر اسمعیل خان - آدینه محمد رضا - نجات - معتمدالتجار - ارباب کبخسرو - صدرالعلماء - ادیبالتجار - سلیمان میرزا - دکتر سید الاطباء - انتظام الحکماء - معاضد السلطنه - آقا محمد بروجرودی - دکتر علی خان - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج سید نصرالله - شیبانی - دکتر لقمان - دکتر حیدر میرزا - آقا سید محمد رضای مساوات - وحید الملک - رکن الممالک - معزز الملک - لسان الحکماء - آقا سید

حسین اردبیلی علی زاده - منتصر السلطان - آقاسید  
 محمدرضای همدانی - ابوالقاسم میرزا - افتخار الواعظین  
 حاج وکیل الرعایا - دکتر امیرخان - حاج شیخعلی  
 آقاسید حسین کزازی - آقامیرزا داودخان - آقا  
 سید جلیل - آقا میرزا اسدالله خان - آقا میرزا  
 احمد - دهخدا - معتمدالدوله - حاج آقا - مشیر  
 حضور - فرزانه - عزالدک - حاج عزالمالک -  
 نیرالسلطان - ضیاءالمالک - آقا شیخ مهدی - آقا  
 میرزا قاسم خان - محمد هاشم میرزا - آقا شیخ  
 غلامحسین - آقا میرزا رضا خان - تربیت -  
 متین السلطنه -

رد کنندگان (سه) نفر -

آقا شیخ اسمعیل - هشترونی - آقا شیخ محمد  
 خیابانی - دکتر حاج رضا خان صورت مشروح پس  
 از ملاحظه نمایندگان محترم و تصحیح حضرت آقای  
 آقا میرزا قاسمخان مقابله شد -

جلسه ۳۶۰

صورت مشروح روز پنجشنبه (۱۷) شهر جمعی الاخری ۱۳۲۶

رئیس آقای موتین الملک سه ساعت ونیم قبل  
 از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده ویس از یک ربع  
 مجلس رسماً تشکیل شد  
 صورت مجلس روز سه شنبه (۱۵) را آقای آقا  
 میرزا رضاخان فرات نمود -

غائبین جلسه قبل - ناصر الاسلام - آقا میرزا

مرتضی قلیخان -  
 حاج شیخ الرئیس - حاج امام جمعه - بدون اجازه  
 محاج محمد کریم خان - ذکاء الملک با اجازه  
 غائب بودند - آقاسید محمد باقر ادیب نیمیست از  
 حضور در وقت مقرر تأخیر نمودند -

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم در صورت مجلس ملاحظاتی داشتید؟

**حاج سید ابراهیم** - در اینجا عرض کردم  
 که آیامراد از نظامنامه داخلی است یا چیز دیگری  
 است مخیر هم گفتند بله مراد نظامنامه داخلی است  
 نماینده گفته باشند مراد نظامنامه اجرای اصلاحات  
 مایه نیست -

رئیس - همبطور اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد - دستور  
 امروز شور اول قانون عتیقات - شور اول قانون  
 جنگنها - راپورت کمیسیون بودجه راجع بورا  
 سیدحسن و میرزا اسمعیل مجاهد شروع میکنیم بشور  
 اول در قانون عتیقات خاص آقایان البته مسبو است  
 که در کلیات این قانون مذاکره شده است در ماده  
 اول هم شور اول بعمل آید و بعد بر میگردد بکمیسیون  
 این است که حالا از ماده دوم خوانده میشود و مذاکره  
 میکنیم (بیمارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - اگر حفريات در املاك اشخاص واقع شود علاوه اجازه دولت صاحب اجازه باید استرضای مالک را هم تحصیل نماید -  
**آقامیرزا اسدالله خان** - بنده مباحثه در

این لایحه را نظر باختیاراتی که بنظره دار کل داده شده است صحیح نمیدانم بواسطه اینکه در آنجا قید کرده کارهایی که راجع است بامور مالیه در تحت ریاست او خواهد بود و این لایحه هنوز درست در تحت نظر خزانه دار کل نرفته است و چون يك قسمت از این لایحه راجع است بتأسيس بكنوع مالیاتی که گمان میکنم که بهتر این باشد که اینرا بفرستیم بوزارت مالیه که در آنجا تجدید نظری در آن شود و رأیشان را با وزارت فواید عامه یکی بکنند بعد به مجلس بیاورند -

**رئیس** - عرض میکنم که اولاً این راجع بماده دوم نبود راجع بکلیات بود و مذاکره در کلیات هم موقعش گذشته بود و این هم شور اول است وقتی که شور اول تمام شد اگر بنا باشد که رجوع بکنند بوزارتخانه میتوانند -

**لواءالدوله** - عرض کنم که نظر بقوانین شرع مالک حق اولویت دارد بر آن اشخاصی که از طرف دولت عتیقات را اجازه میدهند از این جهت عقیده بنده اینست که ما باید يك اندازه بمالک حق بدهیم بجهت اینکه صاحبان املاك حقشان بیشتر است از دولت -

**رئیس** - گویا ماده را نخوانده اید همینرا که می فرمائید در ماده دوم نوشته شده است -  
**لواءالدوله** - ماده دوم نمی نویسد که باید بصاحبان املاك حق داد -

**افتخار الواعظین** - آقای لواءالدوله خوب است ملاحظه فرمائید که این مقصودشان را کمیسیون در ماده دوم رأی داده و پیشنهاد کرده است برای اینکه ماده دوم میگوید اگر حفريات در املاك اشخاص واقع شود صاحب اجازه علاوه بر اجازه دولت باید استرضای مالک را هم تحصیل بکند یعنی اگر در ملک بنده يك کسی اجازه از دولت گرفته است و بخواهد حفريات بکند و چیزی از عتیقات را استخراج بکند علاوه بر اجازه که از دولت گرفته است باید بنده هم که صاحب ملک هستم يك فراری بگذارم که از عین آنچه که بیرون میآورد یا از قیمت او يك چیزی بنده بدهم و تئیکه استرضای اجازه بنده را تحصیل کرد آنوقت می تواند مشغول کار شود والا نمی تواند -

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟ ماده سه خوانده میشود (بیمارت ذیل قرائت شد) :

ماده (۳) - از کلیه اشياء مستخرجه دولت صدقی بیست بدون مخارج بعنوان مالیات از عین جنس یا قیمت دریافت خواهد کرد و در اخذ قیمت باین جنس دولت مختار است -

**حاج سید ابراهیم** - بنده با این لفظ بدون مخارجش مخالفم بجهت اینکه يك نظامنامه برای اینکار در روزنامه رسمی نوشته شده است که مخارج را اعم میگوید از مخارج استخراج حفريات و مخارج مأمورین دولت که ناظر بر آن حفريات هستند در این صورت يك مخارج فوق العاده بر رهن اشخاص مستخرج وارد میکنند و این صحیح نخواهد بود خصوصاً که صدی بیست بعنوان مالیات هم قرار میدهم پس اگر مراد از این کلمه (بدون مخارج) فقط مخارج حفريات است و مخارج مأمورین دولت جزء

نیست که بعقیده بنده باید توضیح بشود و اگر جزء هست بنده با گرفتن صدی بیست مخالفم و این اندازه را زیاد میدانم -

**معاون وزارت فواید عامه** - این صدی بیست فقط يك اجرتی است که از صاحب اجازه گرفته میشود و دیگر مخارجی که بدولت تعلق میگیرد از قبیل مخارج مأمورین و غیره از خود صدی بیست داده میشود و علاوه بر این تحمیلی نخواهد شد در اینکه میفرمایند صدی بیست زیاد است تصور میکنم که کمتر صرفه نمیکند برای دولت از اینکه مواظبت در عمل عتیقات داشته باشد و این کار را بتواند اداره کند -

**حاج وکیل الرعایا** - مخالفت بنده فقط با قسمت آخر است که در اخذ قیمت باین جنس دولت مختار است و در اینجا البته نظر کمیسیون خیلی خوب و مقدس بوده است لکن در وقت عملیات حضور ندارد که ببیند چه اصلاحاتی پیدا میشود برای اینکه هم کارکن های دولت آرقسمی که باید دارای اخلاق خوب نشده اند که خیلی منصفانه با کسانی که خیلی زحمت کشیده اند و خود دولت را دارای يك مالیه کرده اند بصورت انصاف و مساعدت رفتار میکنند با اینجهت بنده با هر قدر دلیلی که بتوانم بیاورم محتاج میدانم این ماده را اینکه این اختیار بستمخرج داده شود که در دادن عین جنس یا قیمت او مختار باشد نه دولت برای اینکه دولت همیشه بکطرف قوی است و او نمیتواند در مقابل دولت دفاع بکند از حقوق خودش و ما باید در اینجا از حقوق اودیاع بکنیم و رفع بکنیم از او يك زحمتی را که اخیراً خواهد دید که در هیچ يك از مواد این قانون عتیقات از باین تا باین هیچ اختلافی پیدا نخواهد شد مگر در این ماده و این قسمت اخیر که همه ادارات دولت حتی مجلس شورای ملی هم باید بعضی عریضات راجع باین ماده را بخوانند بنابراین بنده لازم میدانم اگر مجلس شورای ملی بامن کمک بکند این اختیار را بستمخرج بدهیم که اختیار داشته باشد در اینکه از عین جنس بدهد یا از قیمت -

**افتخار الواعظین** - آقای حاج وکیل الرعایا تصدیق خواهند فرمود باینکه يك روزی ملت و مملکت ما باید دارای يك موزه ملی شود و بعضی اشياء عتیقه خودش و یادگار سلاطین و اقوام سابقه خودش را در آنجا برای یادگار و نمایش بگذارد پس تئیکه این اشياء عتیقه استخراج میشود مفتش دولت آنجا است فوراً اسم و رسم و وصف آن چیز را مینویسد و در يك جایی میگذارد و بعد موم میکند و حمل میشود بر مرکز و در مرکز هم گویا ماده (۹) را ملاحظه فرموده باشند که در وقت قیمت کردن هم بکنفرانز طرف دولت است و بکنفرانز طرف آن مستخرجی که آن چیز را استخراج کرده است آنوقت دولت ملاحظه میکند اگر واقعا این چیزیکه استخراج شده است از اشیائی است که برای موزه ملی و از یادگار های ملی است و از چیزهایی است که دلالت بر اهبت و عظمت دولت ایران میکند و بر صناعت و بزرگی عملیات آن ها دلالت دارد دولت صدی بیست قیمت آن را کم میکند و مابقی قیمت را بشخص صاحب اجازه میدهد که اگر چنانچه از چیزهایی نیست که اهمیت تاریخی داشته باشد در آنجا آن شخص مختار است صدی بیست دولت را از قیمت یا از عین بدهد و

مابقی را خودش بر میدارد و بهر جا که میخواهد میبرد پس با ن دلالتی که عرض کردم بهترین است که در اخذ عین و قیمت اختیار با دولت باشد تا این که بتواند اشياء مهم تاریخی را برای خودش بردارد و بعد از وضع صدی بیست حق خودش مابقی از قیمت آنرا بصاحب اجازه بدهد -

**محمد هاشم میرزا** - بنده تأیید میکنم اشکالی را که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند و اشکالی دیگری که شد و آقای مخیر جواب از مطالب دیگری دادند و بنده صدی بیست را بدلا بلی که عرض میکنم زیاد میدانم بجهت این که مقصود این است که يك چیزی از زیر خاک بیرون بیاید و استخراج بشود یا این که مقصود جلوگیری است البته مسلم است که مالیات از قبیل مالیات تریاک نیست که برای این وضع شده است که بعد از بیست سال یا ده سال دیگر ترک شود بلکه غرض از وضع این مالیات این است که مردم تجارت بکنند و اشياء قیمتی را از زیر خاک بیرون بیاورند و این کار متداول شود ولی باین سخنی که نوشته شده است که هر کدام که آثار تاریخی دارند مطابق مراد بعد که خواهد آمد تمام از این دولت باشد همچنین طلا آلات اگر پیدا بکنند باید بدولت بدهند و هر چیزی که اهمیت تاریخی دارد و در صورتی که ایقدر مسلم است که عتیقات اگر تاریخی نباشد قیمتی نخواهد داشت و این که دولت صدی بیست بدون مخارج بگیرد بآن مخارج زیادی که ممکن است بعضی حفريات داشته باشد هیچ کس چنین کاری نخواهد کرد بجهت اینکه هیچکس نمیباید پولش را ببخود صرف بکند که بعد از آنی که يك چیزی در آنجا پیدا شد در تاش مال او نخواهد بود و کلیه این مطلب که بستن مالیات سنگین باشد اسباب این میشود که مردم دیگر هیچ اقبال باین کار نخواهد کرد و اشياء عتیقه هم مادامی که در زیر زمین است معلوم است که مثل معادن غیر منکشفه است بچیزها رسد دیگر هم اگر زیر زمین باشد ابتدا قایده برای دولت نخواهد داشت پس باید يك کاری کرد که این تجارت باقی باشد و ایقدر نباید اشکالات برای مردم فراهم کرد و همان طوری که گفته شد اگر مخارج را منظور خواهند داشت که بنده صدی بیست را زیاد میدانم والا زیاد است و بعقیده من باید صدی ده بگیرند و پیشنهاد هم میکنم و اما این که اختیار ادا عین یا قیمت با صاحب اجازه باشد یا با دولت آقای مخیر فرمودند که اینکار برای موزه ملت ایران است بنده عرض میکنم که آن مطلبی را که ایشان میفرمایند و مواد بعد خواهد آمد که آنها را استثناء کرده اند بجهت این که نوشته اند اشیائی که آثار ادیبی دارد یا علامت اختصاص سلاطین سابق در آنها است مال دولت خواهد بود و گمان میکنم که آن مواد کافی خواهد بود از برای آن قسمتی که باید بدولت برسد و برای موزه لازم است و این مالیات هم مثل مالیاتهای دیگر است که گرفته میشود و مثل گمرک است و در کجای مملکت ایران همچو تربیتی معمول است که دولت مختار باشد در گرفتن جنس یا پول و البته باید اختیار را بصاحب مال داد که مختار باشد در دادن قیمت یا عین جنس و این جوابهایی را که آقای مخیر دادند

بعقیده بنده اید امربوط باشکالاتی که شد نبود -  
**معاون وزارت فواید عامه** - این که صدی بیست آقای محمد هاشم میرزا اشکال میفرمایند هیچ اشکالی ندارد بجهت اینکه اینکار آتقدروا که تصور میفرمائید زحمتی برای مستخرج ندارد و امروزه میبینم اشخاصی هستند در بعضی جاها و حاضرند که بنصف نصف اینکار را بکنند مخارجی هم برای اینکار میکنند يك مخارج فوق العاده نیست شاید يك چیز خیلی مختصری میتوانند کار بکنند يك چیز عمده تحصیل بکنند و در صورتی که دولت باید برای آنها مفتش بگذارد که مواظب اشیائی که استخراج میشود باشد گمان میکنم که خیلی از روی انصاف است که صدی بیست را بدولت بدهند بدهند که دولت بکفندی را صرف مخارج مأمور خودش بکند و یکقدری هم مال خودش باشد آنها هم باید کمال رغبت حاضرند که این صدی بیست را بدهند بلکه بطوری که عرض کردم حاضرند نصف بنصف کار بکنند چنانکه املاکی که تعلق باشخاص دارد اغلب میروند و در آنجا ها و بنصف نصف کار میکنند که مخارج مال آنها میباشد و نصف را هم بصاحبان املاك میدهند در این صورت بنده تصور میکنم که صدی بیست يك تحمیل فوق العاده نباشد تا اینکه آقایان مخالفت فرمایند - اما در خصوص اینکه فرمودند که این اختیار را خوبست بصاحبان اشياء عتیقه گذاشت که مختار باشند در اینکه جنس بدهند یا پول بنده عرض میکنم اگر باین ترتیب باشد دولت باید يك چیزی هم تهیه بکند که دستنی بآنها بدهد و اشياء را از دستشان بگیرد آن نکتته را که آقای مخیر فرمودند گمان میکنم که خیلی نکتته صحیحی بود و اگر اینکار را بخواهید بکنید بکلی آن چیزهایی که برای دولت و موزه لازم است از بین خواهد رفت و آن چیزهایی را که بجناس است بگردن دولت میاندازد و همچو قراضی نخواهند شد که يك چیز خوبی را بدولت بدهند

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است)  
 اصلاحی از طرف آقای لواء الدوله پیشنهاد شده است خوانده میشود و رأی میکنیم (ببیمارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که از کلیه استخراج شده يك گرفته شود -  
**رئیس** - کمیسیون این پیشنهاد را قبول می کند -

**افتخار الواعظین** - کمیسیون این پیشنهاد را نمی تواند قبول بکند بجهت اینکه همانطوریکه فرمودند خیلی هاستند که حاضرند نصف بدهند و کمیسیون برای ملاحظه حال آنها و تجارت مملکت گفته است که فقط صدی بیست از آنها را بدولت بدهند یعنی کسیکه يك تومان می خواهد نفع ببرد دو هزارش را بدولت بدهد و این يك چیز زیادی نیست -

**رئیس** - آقای لواء الدوله توضیح بدهید **لواء الدوله** - عرض کنم این اشياء عتیقه که استخراج میشود مسلماً مال آن صاحب مالک است و صاحب مالک ذیحق تر است از آن کسیکه امتیاز گرفته

است یا امتیاز داده است فرق ندارد دولت و امتیاز گیرنده هر دو نسبت بصاحب ملک خارج شیخعلی است که در اخذ عین و قیمت اختیار با دولت باشد تا این که بتواند اشياء مهم تاریخی را برای خودش بردارد و بعد از وضع صدی بیست حق خودش مابقی از قیمت آنرا بصاحب اجازه بدهد -

**معاون وزارت فواید عامه** - این صدی بیست فقط يك اجرتی است که از صاحب اجازه گرفته میشود و دیگر مخارجی که بدولت تعلق میگیرد از قبیل مخارج مأمورین و غیره از خود صدی بیست داده میشود و علاوه بر این تحمیلی نخواهد شد در اینکه میفرمایند صدی بیست زیاد است تصور میکنم که کمتر صرفه نمیکند برای دولت از اینکه مواظبت در عمل عتیقات داشته باشد و این کار را بتواند اداره کند -

**حاج وکیل الرعایا** - مخالفت بنده فقط با قسمت آخر است که در اخذ قیمت باین جنس دولت مختار است و در اینجا البته نظر کمیسیون خیلی خوب و مقدس بوده است لکن در وقت عملیات حضور ندارد که ببیند چه اصلاحاتی پیدا میشود برای اینکه هم کارکن های دولت آرقسمی که باید دارای اخلاق خوب نشده اند که خیلی منصفانه با کسانی که خیلی زحمت کشیده اند و خود دولت را دارای يك مالیه کرده اند بصورت انصاف و مساعدت رفتار میکنند با اینجهت بنده با هر قدر دلیلی که بتوانم بیاورم محتاج میدانم این ماده را اینکه این اختیار بستمخرج داده شود که در دادن عین جنس یا قیمت او مختار باشد نه دولت برای اینکه دولت همیشه بکطرف قوی است و او نمیتواند در مقابل دولت دفاع بکند از حقوق خودش و ما باید در اینجا از حقوق اودیاع بکنیم و رفع بکنیم از او يك زحمتی را که اخیراً خواهد دید که در هیچ يك از مواد این قانون عتیقات از باین تا باین هیچ اختلافی پیدا نخواهد شد مگر در این ماده و این قسمت اخیر که همه ادارات دولت حتی مجلس شورای ملی هم باید بعضی عریضات راجع باین ماده را بخوانند بنابراین بنده لازم میدانم اگر مجلس شورای ملی بامن کمک بکند این اختیار را بستمخرج بدهیم که اختیار داشته باشد در اینکه از عین جنس بدهد یا از قیمت -

**افتخار الواعظین** - کمیسیون این پیشنهاد را نمی تواند قبول بکند بجهت اینکه همانطوریکه فرمودند خیلی هاستند که حاضرند نصف بدهند و کمیسیون برای ملاحظه حال آنها و تجارت مملکت گفته است که فقط صدی بیست از آنها را بدولت بدهند یعنی کسیکه يك تومان می خواهد نفع ببرد دو هزارش را بدولت بدهد و این يك چیز زیادی نیست -  
**رئیس** - آقای لواء الدوله توضیح بدهید **لواء الدوله** - عرض کنم این اشياء عتیقه که استخراج میشود مسلماً مال آن صاحب مالک است و صاحب مالک ذیحق تر است از آن کسیکه امتیاز گرفته

است یا امتیاز داده است فرق ندارد دولت و امتیاز گیرنده هر دو نسبت بصاحب ملک خارج مستند صاحب ملک یا صاحب اشياء عتیقه باید يك چیزی بدولت بدهند که این در خاک اوست و اگر يك کسی در ملک خودش يك چیزی پیدا بکنند به بنیم قانون شرع اجازه میدهند که این مال دولت باشد یا خبر البته معلوم است که قانون شرع چنین اجازه را نمیدهد ولی چون دولت هم مخارجی دارد که لازم است ادارات خودش را تشکیل بدهد و يك اداره راحت باشد از بعضی محذورات و اشکالات از این جهت ممکن است که ده يك از این اشخاص گرفته شود مثل اینکه يك چیزی هم بنده در مالیات مستقیم پیشنهاد کرده بودم که باید کلیه ده يك گرفته شود و اگر این طور بشود خیلی بهتر خواهد بود هم از برای دولت هم از برای ملت -

**رئیس** - مذاکره در مالیات مستقیم نیست -  
**لواء الدوله** - بنده عرض کردم مثل اینکه در مالیات مستقیم يك همچو پیشنهادی کرده **رئیس** - رأی میکنیم باین پیشنهاد آقای لواء الدوله - آقایان تئیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم کرده اند خواهد میشد (ببیمارت ذیل قرائت شد)  
 بنده پیشنهاد می کنم که ماده (۳) این طور نوشته شود -

از کلیه اشياء مستخرجه دولت صدی بیست بدون مخارج استخراج بعنوان مالیات از عین جنس یا قیمت دریافت خواهد کرد -

**رئیس** - کمیسیون قبول دارد یا خیر **افتخار الواعظین** - این پیشنهاد آقای فقط آن قسمت آخری را انداخته است که کمیسیون نوشته بود دولت در اخذ عین یا قیمت مختار است و گویا ایشان می خواهند این اختیار را بدهند بصاحب اشياء عتیقه در صورتیکه آقای معاون فرمودند که اگر این اختیار با دولت نباشد و بصاحبان اشياء عتیقه اختیار داده شود همیشه آن کاشی های بی قیمت را می آورند بدولت می دهند و میگویند که شما باید صدی بیست از قیمت آنرا برای خودتان بردارید و تنه را ببادستی بدهید پس باید ملاحظه دولت را هم کرد و اگر چه پیشنهاد آقای لواء الدوله رد شد و این را لازم است بنده عرض کنم که این اجازه در شرع مطهر هم داده شده است که اگر کسی يك شیئی نفیسی پیدا کرد باید خمس آن را ببست المال مسلمان بدهد کمیسیون هم همین ملاحظه خمس را قرار داده است که دولت بگیرد و اختیار گرفتن عین یا قیمت هم باید با خود دولت باشد والا اسباب زحمت فراهم می آید

**رئیس** - آقای حاج سید ابراهیم توضیحی را که دارید فرمائید

**حاج سید ابراهیم** - این پیشنهاد بنده در فقره مطلب دارد یکی اینست که تصریح میشود که مراد از مخارج مخارج استخراج است نه مخارج استخراج و تقشیر برای اینکه بخوبی رعایت حال ضعفا و فقرا شده باشد که استخراج میکنند و یکی

این پیشنهاد بنده در فقره مطلب دارد یکی اینست که تصریح میشود که مراد از مخارج مخارج استخراج است نه مخارج استخراج و تقشیر برای اینکه بخوبی رعایت حال ضعفا و فقرا شده باشد که استخراج میکنند و یکی

دیگر اینکه مسئله اختیار داشتن دولت با صاحبان اشیاء عقیده را مسکوک عنه گذاشتیم برای اینکه لازم است بکطرف اختیار طرف دیگر هم هست و وقتی که قیمت را تعیین میکنند بسته برضایت طرفین است و هر قیمتی که قیمت شد دولت قبول میکند در اینصورت دیگر لازم نیست که قید بکنیم که او مختار است و او مجبور است حالیه دیگر بسته بنظر و کلامی معتمد است

**آقای سید حسن مدرس** - این قانون را ما هم در آن نظری کرده ایم ولی الا خوب است این را عرض کنیم که این مسئله مالیات را خوب است ما نسبت بشرح ندیم و اسمش را خمس یا زکوة نگذاریم این مالیاتی است که اولیاء امور میکنند مملکت احتیاج مالیات دارد و بر حسب انصاف بجوی که مراعات فقراء و ضعفا هم شده باشد یک مالیاتی وضع میکنند که کار مملکت هم پیشرفت بکند و اما در خصوص وضع این قانون البته باید ملاحظه مواد را بکنند که باعث سهولت کار بشود نه اینکه اسباب جلوگیری از این کار را فراهم بیاورد و یک مالیاتی با دقت با اقرار مسئله جعل بکنند ما هم در این عبارت که ملاحظه کردیم آنچه بنظر ما آمد اینست که در این جهاتیکه کمیسیون معتمد مرقوم فرموده اند قدری بی انصافی داشت حالا دیگر بسته بنظر و کلام معتمد است

دولت بدهد بنده یک همچو مالیاتی وضع شدنش را در مجلس شورای ملی خیلی دور از انصاف میدانم بواسطه اینکه ما خیلی که بتوانیم رعایت دولت را در منافع کرده باشیم باید رعایت او را در شرکت با منافع و با عایدات اشخاص ملحوظ بدانیم والا کسیکه این کار را میکند مسکوکت مطابق مغارجی که کرده است بدستش بیاید و مسکوکت پاندها سرمایه هم بدستش نیاید و هم ممکن است که منفعتی از آن حاصل نماید حالا ما در آن دو قسم اولی بیاییم دولت را شرکت بدهیم و بگوئیم از آن چیزی که خارج شده است ولو اینکه پاندها مایه که صرف آن کرده است بدستش نیامده است باید صدی بیست آنرا بدولت بدهد یک تحویل و ضرر فوق العاده است که میخواهیم بدان اشخاص بدهیم از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که از حاصل آن چیزیکه بدست میآید بعد از وضع مغارج اگر منفعتی بدستخارج عاید شده باشد آنوقت صدی بیست آن را بدولت بدهد بنده عقیده ام این است حالا آقایان اگر نظرشان به این است که در اینصورت صدی بیست هم کم است صدی بیست و پنج قرار بدهد صدی سی قرار بدهند صدی چهل قرار بدهند هر چقدر که دلشان میخواهد و انصافشان مقتضی است بنویسند که بعد از وضع مغارج گرفته شود والا خیلی از اشخاص هستند که مغارج می کنند و چیزی بدستشان نمیآید در این صورت خلاف عدالت است که ما بگوئیم صدی بیست آنرا باید بدهند

**رئیس** - اصلاح شاهم همین معنی را دارد و یعنی هر دو یکی است

**حاج شیخ اسدالله** - بله همین است

**معاون وزارت فوائد عامه** - شرحی را که آقای حاج آقا فرموده باید نظرشان باین نکته متوجه باشد که در وضع مالیات باید ملاحظه کرد که یک شکلی وضع بشود که گرفتن او بهتر باشد برای دولت والا اگر بی نظوری باشد که مقدار زیادتر از آن باید صرف گرفتن آن بشود آن هیچ برای دولت نخواهد داشت و این ترتیبی که ایشان میفرمایند اگر چه یک ترتیب خیلی خوبی است ولی برای معاون کارهای بزرگی است که یک دفتر تجارت خانه و یک اداره ضبط و یک ترتیبی دارند آنوقت در آخر سال هم دولت می رود رسیدگی میکند و عایدی آنرا می بیند و پاندها که حق دارد از آن بر میدارد ولی در یک مسئله سفاری که بکنند است با اینجنفر عمله دولت از کجا برود مغارج آنرا ثبت و ضبط بکنند که این چقدر خرج کرده است و باید یک چیزی بدهد یا نباید که بدهد همچو چیزی ممکن نیست بشود بجهت اینکه دولت نمیتواند درصد هزارجا که این کار میشود این اسباب را فراهم بیاورد و مأمورین برای آن معین بکنند

**رئیس** - این همان اصلاح آقای حاج سید ابراهیم است

**حاج آقا** - این فرماز اوست اجازه فرمائید توضیح عرض کنم

**رئیس** - فرمائید

**حاج آقا** - آن اصلاحیکه پیشنهاد شده بود راجع بمغارج دولتی بوده و بنده خواستم که تصریح بشود باینکه نظر بمغارج دولتی نیست و این چیزی را هم که پیشنهاد کرده ام راجع بمغارج خود استخراج است بکمتریه هم در کلیات این مسئله گفتگو شد و بنده عرض خود را کرده ولی باز امروز لابد از اینکه مدافعه بکنم ما باید شرکت بدهیم دولت را در منافع اشیائی که استخراج میشود یعنی کسی که مستخرج است در دفع خود دولت را شریک خود بداند و نباید ما الزام بکنیم یک شخصی را که زحمت میکشد و یک چیزی را استخراج میکند باینکه هر گاه مطابق مغارج خودش که برای آنجا استخراج آن چیز کرده است یک چیزی پیدا کرده باز بدولت از آن چیزی که استخراج شده است که شاید در استخراج آن ضرر هم کرده است یک چیزی بدهد و بگوئیم از اینکه منفعت داشته باشد برای او یا نداشته باشد باید صدی بیست قیمت آن را

**رئیس** - قابل توجه شد ماده (۴) خوانده می شود (بمبارت ذیل قرائت شد)

**ماده (۴)** از طلا آلات و نقره آلات مسکوک و غیر مسکوک و همچنین جواهر آلات و فقرات مستخرجه دولت از صدی چهار از زمین یا قیمت دریافت نمینماید

طلا و نقره یک قیمت معینی دارد در هر وقت آن قیمت اصلی او جانی نبرد و بلکه بر قیمت اصلی خودش بر حسب کیفیت مخصوصی که شاید داشته باشد چندین برابر افزوده میشود ولی در هر حال یک قیمت معینی دارد که هیچ تردیدی در آن نیست و البته چون این یک چیزی است که همیشه مشتری دارد و هر کس آنرا بخرد آنرا دولت بکنند و بیشتر باید بگیرد باینجهت است که از طلا آلات و نقره آلات صدی چهل نوشته شده است که باید بدولت بدهند و از سایر چیزها صدی بیست

**آقای میرزا اسدالله خان کردستانی** - بنده در ماده قبل هم اجازه خواسته بودم و ممکن شد عرایض خود را بکنم اینست که در اینجا اجازه خواستم این مالیاتی که در اینجا گرفته می شود بنده می بینم که برای دولت یک مغارج زیادی خواهد داشت و بالاخره بعد از مغارج دولت در اخذ این مالیات دچار اشکالات خواهد شد باین معنی طوریکه اینجا نوشته شده است که از زمین جنس باید بدهد باید بدهیم که زمین جنس قابل قیمت نیست مثلاً که از سه پارچه ظرفی که بیرون می آورد صدی بیست بدولت بدهد یا باید خود آن شخص بر دارد پولش را بدولت بدهد و از طرف دیگر باید ملاحظه بکنیم که این یک مال التجاره است که تا بمرض فروش نیامده است و چند دست مختلف خریدار و فروشنده را ندیده باشد قیمت اصلی خودش را پیدا نمیکند قیمت اصلی خود را وقتی پیدا میکنند که بخواهد از این مملکت خارج بشود و بدست آن خریدار اخیری بیفتد که میخواهد از مملکت خارج بکند اما از آنجا که بیرون میآورد ممکن است ده تومان ببرد و وقتی که دست گشت ممکن است هزار تومان ببرد یا لااقل دویست تومان ببرد در اینصورت بنده تصور میکنم که دولت نتواند بآن نتیجه مطلوبه باین ترتیب اخذ مالیات برسد بلکه جسی که از آنجا خارج می شود مخصوصاً در سال هشتاد هزار تومان میشود

**رئیس** - ماده سیم گذشت

**میرزا اسدالله خان** - کلیات مالیاتی که از آنجا گرفته میشود هشتاد هزار تومان میشود خیلی از این را بگیریم که جواهرات و مسکوک باشد ممکن است پنجاه هزار تومان این مسکوک باشد و همانطور که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند هیچ جهتی بنده نمی بینم که فرقی بین اشیاء کاشی و طلا آلات بگذارند بواسطه آنکه بتجربه دیده شده است که ظرفهاییکه از خاک بیرون میآید بیشتر از وزن طلا قیمت دارد و فرقی ندارد و آن اندازه هم که آقای معاون فرمودند زحمتی ندارد که مسکوک و غیر مسکوک را از زیر زمین بیرون بیاورند پس بنده پیشنهاد میکنم چنانچه هیئت دولت موافقت داشته باشند با این پیشنهاد بنده باین مالیات قناعت کنند و مفتشین در سر آن محلهای حفر داشته باشیم برای اینکه نظارت بکنند در بیرون آوردن و غیره و غیره قیمت اصلی خودش را دارا شده است از دفاتر دولتی دریافت نمایند

**آقا محمد** - بنده عرض میکنم یک دقتی در این قانون و در این ماده هست آنرا نباید از دست داد تا تقریباً منابع ترویجی درستی برای دولت نداریم صنایع و حرفی نداریم تقریباً منحصر است به همین معادن و حفیات بعد هم دولت خودش نمیتواند این

**آقا محمد** - بنده عرض میکنم یک دقتی در این قانون و در این ماده هست آنرا نباید از دست داد تا تقریباً منابع ترویجی درستی برای دولت نداریم صنایع و حرفی نداریم تقریباً منحصر است به همین معادن و حفیات بعد هم دولت خودش نمیتواند این

را اداره بکنند چون منحصر نیست بحمل معین و یک دخل معین ندارد منحصر است باینکه خود ملتا اجازه یا امتیاز بگیرند و برون کار بکنند حالا باید به بنیم که اراضی که هست برای اینکار سابق جریبی (۱۵) تومان قیمتش بوده حالا (۲۰۰) تومان اجاره می کنند مالیاتی مصارف و مخارج میکنند از کار و زندگی خودشان باز نمانند

**رئیس** - سر کار هم دارید از موضوع خارج میشوید در ماده (۳) میفرمائید

**آقا محمد** - در ماده چهارم است حالا آمد آنقدر خرج کرد پنج اشرفی یاسه تا سکه قدیم یا جدید بیرون آورد این را بیاید دو تای آنرا بدولت بدهد این جور تقبیق در این ماده و در سایر مواد هم اسباب این میشود که بکلی این بیفایده میشود ایستاد دولت و نه ملت از این انتفاعی نمیببرد و همین طوریکه عرض کردم اسباب اشکال خواهد شد و عرایض خود را در کلیه مواد در جای خودش عرض میکنم و در این ماده هم عرض می کنم بجهت تریبی که فرمودند صدی ده و ده یک باشد بهتر است اینرا بنده صحیح میدانم

**رئیس** - مذاکرات را آقایان کافی نمیدانند؟ (اظهار شد کافی است)

(ماده پنجم بمبارت ذیل قرائت شد)

**ماده الحاقیه (۵)** کلیه دفاین مستخرجه (از اراضی که از دولت اجازه گرفته شده است) متعلق بدولت است فقط صدی ده بمسئولین مستخرج داده خواهد شد

**رئیس** - آقای کردستانی در ماده (۵) مخالفتی دارید

**آقا میرزا اسدالله خان** - در ماده (۴) پیشنهادی داشتم

**رئیس** - حالا موقتش نیست سه روز قبل اطلاع دارم که این قانون جزء دستور امروز است خوبست پیشنهاد را در موقع بنویسید بفرستید

**محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم در آن ماده جواب داده شد گذشت آیا در این ماده شخصی که در ملک دولت دفته پیدا کرده است معلوم است که مغارجی پیدا نخواهد کرد و اگر صدی ده بدهد کم است ولی اگر بنشیند پنجاه هزار تومان و چهار هزار تومان خرج کرده است یک دفته پیدا کرد حالا بیرون بدون اینکه خرج او را برسد که چقدر خرج کرده است نسجیده بگویند که یک ده یکی باو بدهند باید یک ترتیبی داد که کاملاً موافقت با عدالت داشته باشد باید دولت تصور کند که خودش کار کرده و این آدم بعد از زحمات و مخارج زیاد رفت و بالاخره یک دفته پیدا کرد حالا باید مغارج او را محسوب بدارند و صدی ده هم اگر زیاد می دانند صدی پنج باو بدهند و این صدی ده دادن باو را در این موقع بنده عقیده ندارم و عقیده ام این است مغارج هم حساب شود و اگر توضیحی دارند که بسیار خوب والا بنده پیشنهاد خواهم کرد

**افتخار الواعظین مخبر** - حضرت والا باید بدانند که از برای استخراج پیدا کردن یک دفته کسی پنجاه هزار تومان و چهار هزار تومان خرج نمی

کند یعنی محتاج یک ماشین آلات و بعضی چیزهای دیگر که بر قیمت و پرخرج باشد نیست اغلب این جور دفته ها تصادفاً پیدا میشود مثلاً شخص می رود در منزل خودش مثلاً اینکه خاطر مبارکشان مسروق است که در سبزواری رفتند حوضی بکنند آنجا یک ظرفی پیدا شد که پس بود از طلای مسکوک لکن چون دولت قانون صحیحی نداشت پس از زحمات زیاد (۳۸) دانه او را نظمی توانست پیدا کند باقی دیگرش را ندانست کی خورد غالباً می بیند دو تا عمه است که می رود می بکند یا مشغول کار دیگری بشود یا در صحرا مشغول شخم کردن است یا شترتبه بر می خورد یک ظرفی که در میان آن ظرف حواهر است یا لای مسکوک است پس خرج زیادی برای آن شخص نشد و همان صده را که دولت بآن شخص بدهد و اومی تواند همان قیمت خودش را در کمال آسایش و راحتی بدون تعرض و زحمت و تعرض و زحمت کسیکه او را بریند جنس کنند و صده بزنند که خیر صد دانته نه بوده است پنجاه هزار دانه است راستش را بگو و غیر از اینها که همه آقایان می دانند همان صده را که دولت باو بدهد برود قسمت خودش را بفرود و بصرف خودش برساند خیلی باید متشکر باشد و این را بدانند که از برای پیدا کردن دفته یک خرج زیادی منظور نیست

**ارباب کیمخبرو** - بنده تصور میکنم لازم است آقای مخبر همه جا همراه این لایحه باشند و این توضیحات را بدهند بجهت اینکه این عبارت این طور نمی فهماند که اگر کسی رفت در خانه خودش حوضی بسازد و یک دفته پیدا کرد آنوقت صده بدولت بدهد و در موارد دیگر شکل دیگر داشته باشد عقیده بنده این است که در اینجا باید قید بشود که کلیه آن صده را بانضمام مغارجی که کرده است بدهد و الا ما نمی دانیم در جاهائی که حفیات می کنند چه چیز بیرون می آید شاید یک مبالغه زیادی که خرج کرد آنوقت یک دفته پیدا بکند که یک چیز جزئی داشته باشد و دولت که فقط یکصد دهی باو خواهد داد که شاید مساوی با آن مغارجش هم نباشد اگر شاهزاده پیشنهاد نکنند بنده پیشنهاد خواهم کرد که آن مغارج را باو بدهند

**معاون وزارت فوائد عامه** - اینکه میفرمائید که اگر یک مغارج زیادی کرده باشند بنده می خواهم عرض کنم که چطور تصور میفرمائید که یکصد هزار تومان خرج بکنند تا یک دفته پیدا بکنند اگر منتقدیم باینکه کسی رمل بینماد که در زیر خاک یک چیزی هست آنوقت برود تصور آن رمل صد هزار تومان خرج بکنند آخر هم بنتیجه نرسد آن صحیح است و الا دفته یک چیزی نیست که بگوید بروم و فلان قدر سرمایه صرف بکنم تا اینکه به بینم یک چیزی برسم یا اینکه نبرسم وقتی که یک چیزی است که بطور اتفاقی یا در ضمن کارهای دیگر استخراج میشود و آن همیشه در ضمن کارهای دیگر است و این نمیشود که گمت کسی برود و در نقطه مخصوصی مغارج زیادی بکند باینکه حکماً یک دفته است حتماً یک همچو چیزی نیست مگر اینکه سابقه داشته باشد برود این کار را بکند دفته همیشه یک چیزی است که فوق العاده پیدا میشود و همچوقت سرمایه و مغارج مستقیمی بآن تعلق نمی گیرد و آن

نکته دیگری که فرمودند در خانه خودش باشد اینجا توضیح شده است که از کلیه دفاين که مستخرج از اراضی دولت باشد از آنجا صدها در دولت بآن شخص میدهد ولیکن اینکه در خانه کسی مالک کسی پیدا میشود آنجا آن حکم اولی را پیدا میکند که صدی چهل ا بدولت میدهد و الباقی مال خود آن ها است این هردو واضح است و گمان میکنم که اشکالی ندارد .

**آقا شایخ محمد خیابانی - اینجری کدولت**  
میگردنواش عنوان مالیات است مالیات صحیح است که دولت باید بگیرد از راه اضطرار است و اینکه میگویند دفاين کلیه متعلق بدولت است بنده از آنجاییکه هر قانونیکه در مجلس شورای ملی وضع میشود خیلی آرزو دارم که بدون هیچ گفتگویی اجراء شود و هیچ قانون موضوعه اسلامی مایر بخورد ازین جهت تمنا دارم که خیلی با کمال خالص توجه باشند اگر اصلاح بشود نفس و غیر نیست در قانون اسلامی مابعضی نوعی هست که مسلم یعنی متفق علیه است نوعی است که هیچ اتلافی در آن نیست نمیدانم اگر يك مسلکی پیدا شود که قابل مالکیت نباشد آن مسلک در مملکت ما نیست اسلام میگوید مالکیت برای اشخاص است هر شخصی مالک یک چیزی هست یکی از نوعی که در قانون اسلامی هست اینست که اگر شخصی در فسخ از دفاين و سایر اعمال يك شخص محترمی مثلا میورد کاری میکند در ضمن عمل خودش يك چیزی پیدا میکند چون عمل محترمی است يك چیزی را مالک است آنرا کسی نمیتواند پس بگیرد که بعنوان مالیات تو را باید مستخدم بکنم احرت تو را هم من بگیرم و يك چیزی مثلا صد دینار تو میدهم این مال اوست در مقابل عمل خودش یکی هم همین دفاين است شخصی که يك چیزی را مستخرج کرد بعنوان دفاينه این شخص مالک اوست در شریعت همین است که باید يك حقی بدهد بیت المال و بیت المال ماسادات است بیت المال حق دیگری دارد راجع بدولت نیست و چون دولت اضطرار دارد یعنی بعضی چیزهاست که شخصی که مختصری بقتضیات وقت اطلاعی داشته باشد نمیتواند بگیرد که دولت نباید بگیرد البته دولت باید بگیرد اما بعنوان مالیات ولی این نیست که هر چیزی که کسی پیدا کرد متعلق بدولت است و دولت مالک اوست یا حق دولت است یا مدد دولت یا عبارت دیگر فرق ندارد در ضمن فسخی باو صدها میدهد معلوم است که آقایان هم ملاحظاتی خودشان را فرموده اند ولی در این ماده چون خیلی بی اعتدالی میباشد از مغیر کمیسیون استماع میکنم که این ماده را استرداد بکنند بخود کمیسیون که این را اصلاح کنند که بعنوان مالیات چیزی بگیرند و این ملک آن شخص مستخرج است شما بگویند که باید يك صد و پنجاه یاصد شصت بعنوان مالیات بدهد اما این عنوان از مال دولت است صدها باو خواهد داد و ایقانون که از مجلس گذشت و خارج شد بنده سوء انری در آن میباشد حالا دیگر شما مختارید این بقیه بنده باید تغییر بکنند و همبندقتدر اشاره باین مطالب کافست .

**افتخار الواعظین** - بنده تمام فرمایشات

آقا شیخ محمد را تصدیق میکنم ولی آیا قیدیکه در اینجا شده است توجه فرموده اند اینجا زمین ملک دولت است در ملک دولت کسی از دولت اجازه بگیرد که برود مستخرج عقیقات بکند یا آنکه جزء املاک خالصه است اجازه میکند از دولت که برود زراعت بکند در بین عملیات يك دفاينه بر خورده است و مستخرج کرده ملک ملک دولت و آنجا چون ملک دولت است بدیهی است آنچه چیزهای که از آنجا مستخرج شده مال دولت است دولت آن دفاينه را ضبط کرده و فقط صدی ده تومان شخص مستخرج میدهد اما اگر يك شخص دو خانه خودش در ملک خودش یا در ملک غیرت و مستخرج کرد و آنجا يك دفاينه بر خورده است کمیسیون ابتدا نگاهت است که این مال دولست گفته است مال آن مستخرج است اما بواسطه آن اهمیت قیمتی که دارد مجتعماً يك چیز مهمی بیرون آمده است صد چهل را بعنوان مالیات بدولت میدهد صدی شصت مال خودش است پس در ملک دولت دفاينه مال دولت است نه در غیر آن .

**رئیس** - مذاکرات کافست ( بعضی اظهار کردند کافی نیست ) .

**رئیس** - معلوم شد کافی نیست .

**آقا شیخ غلامحسین** - بنده میبینم که اگر این ماده و سایر مواد این لایحه بهمین ترتیب از مجلس بگذرد بکلی استخراج عقیقات از بین خواهد رفت مگر آنچه هائی که قاچاق بکنند بروند دزدی بکنند و مستخرج بکنند از این جهت است که بنده با تمام این مواد مخالف هستم آقای افتخار الواعظین در ابتداء توضیح دادند دولتی که از خانه خودش خرجی میکند ممکنست بر بخورد يك دفاينه در صورتیکه اینطور نیست اینجا نوشته شده است که ما کلیه قانون مستخرجه در اراضی که از دولت اجازه گرفته شده است) این تصریح میکند در اینجا که اگر يك نفر بیايد اجازه بگیرد که حفر بکند و عقیقات مستخرج بکند و ممکنست که در آن مستخرج بيك دفاينه بر بخورد بایست از آن دفاينه دولت صدی بود ببرد و آن شخص صدها اگر میداند باید که دولت واقعتاً از این کنار منعت میبرد خودش مستخرج بکند و الا با این ترتیب اگر بنا شود از مجلس بگذرد حفریات بسکلی از بین خواهد رفت (در این موقع آقای رئیس اسامی اشخاصیکه اجازه ملاحظه خواسته بودند یکی یکی خواندند و همه مخالف بودند )

**حاج شیخعلی خراسانی** - بله آقای مغیر

در ضمن توضیحات خودشان دو قسم توضیح دادند که هر دو ضربه بکندیکر بوده يك دفاينه گفتند که دفاينه چیزی نیست که شخصی زحمت فوق العاده بکشد يك وقت در خانه خودش بی یازین میکند و بيك دفاينه بر نخورد لهذا با این قید که در خانه خودش است باید صدی چهل مال دولت باشد بيك دفاينه دیگر که توضیح دادند که آقای آقا شیخ محمد ایراد داشتند گفتند در املاک دولت که اجازه گرفته اند در آنجا میگویم که صدی نود مال دولت است پس این دو

موضوع پیدا میکند بکوت هست که يك شخص اجازه میگیرد که برود اشیاء عتیقه مستخرج بکند در این بین بر میخورد بيك دفاينه البته در آن مورد باید خرج آنرا منظور کرد بجهت اینکه دفاينه را که توضیح میدهند میگویند يك مقدار زر و سیمی که مستخرج کردند شاید ده تومان باشد و آن شخص در طلب اشیاء عتیقه صد تومان خرج کرده باشد آنوقت ده تومان بآن شخص بدهند اینکه صحیح نیست اگر در اراضی بوده است که اجازه گرفته اند اما اگر در اراضی شخصی بوده آنرا که خود آقای مغیر هم که بعد منفت شدند که آن ملک شخصی است همان صد چهل را بدولت خواهد داد پس باین جهت باید این ماده را دو قسم کرد يك قسمت که راجع باملاک شخصی است آنجا همان صد چهل را بگیرد و اگر در آن اراضی بود اجازه گرفتند و اراضی دولت بود در آنجا اول باید مخارج او را منظور کرد و آن وقت صدی ده را باو داد و در اینجا بپیشنهاد خواهم کرد .

**افتخار الواعظین** - گویا يك کسیکه يك ماده در کمیسیون چند روز در حضور او شور و مذاکره شد و خودش داخل در مذاکره بوده است او در وقت توضیح دادن تناقض میگوید و بنده استدعا میکنم از آقایان که در وقت توضیح دادن توجه فرمایند که چه عرض میکنم شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند که احتمال دارد يك کسی برود برای مستخرج يك دفاينه پنجاه هزار تومان خرج کند آنجا دولت چطور میگوید که بدون اینکه من مخارج تو را ملاحظه بکنم تو فلانقدر خواهم داد و مبالغه متعلق بمن است آنجا در جواب شاهزاده بنده عرض کردم که دفاينه يك چیزی نیست که محتاج باشد به پنج هزار تومان مخارج اغلب در ذیل کارهای دیگر عملیات دیگر مصادف میشوند مردم با مستخرج دفاينه این جواب حضرت والا ولی آنچه را که آقای حاج شیخعلی میفرمایند خوبست درست ملاحظه فرمایند که ماده چهارم میگوید : از طلا آلات و نقره آلات مسکوک و غیر مسکوک و همچنین جواهر آلات و فقرات مستخرجه - پس معلوم میشود که ماده ه در دفاينه حالت کمیسیون دو موضوع مختلف را دو ماده قرار داده اگر این دفاينه در ملک دولت واقع شد البته چون ملک مال دولت است دفاينه هم مال دولت است و متعلق بدولت است در آن موضوع دولت آن چیزی که مال خودش بوده است متصرف میشود و مستخرج ده يك حق الزحمه میدهد اما شامدر منزل خودتان یا در ملک دیگری يك دفاينه پیدا کردید و مستخرج کردید آنجا دولت صدی چهل از مستخرج میگیرد و صدی شصت مال خود شخص مستخرج است پس این دو ماده را کمیسیون از هم تفکیک و مجزی کرده است و دو ماده است خوبست آقایان مواد و مضامینشرا ملاحظه کنند .

**رئیس** - گویا مذاکرات دیگر کافی باشد ( اظهار داشتند کافست )

**رئیس** - سه فقره اصلاح آقای حاج آقا و دکتر حاج رضاخان محمد هاشم میرزا پیشنهاد کرده اند که دفايني که در اراضی دولت است متعلق بدولت

باشد که هر سه اصلاح فرائت بشود یکم به رای میگیریم (بترتیب ذیل فرائت شد : )  
(۱) از طرف آقای دکتر حاج رضا خان بمضمون ذیل  
این بنده پیشنهاد میکنم ماده ه بطریق ذیل اصلاح شود .

ماده ه - کلیه دفاين مستخرجه در اراضی دولت متعلق بدولت است فقط صدی ده به مستخرج داده خواهد شد .

(۲) از طرف حاج آقا - ماده ه - کلیه دفايني که از ملک دولت با اجازه دولت مستخرج می شود متعلق بدولت است و فقط صدی ده به مستخرج داده می شود این مطلب در استجازه باید قید شده و به مستخرج اعلام شود .

**رئیس** - آقای حاج آقا گویا مقصود شما هم همین است .

**حاج آقا** - خیر پیشنهادیکه بنده کرده ام این اشکال را رفع میکند .

**رئیس** - اگر قابل توجه شد کمیسیون اصلاح میکند .

**از طرف شاهزاده محمد هاشم میرزا** - بنده پیشنهاد میکنم عرض ماده پنجم اینطور نوشته شود کلیه دفاين مستخرجه که در اراضی دولت است بملاوه مخارج مستخرج صدی ده به مستخرج بعنوان حق الزحمه داده خواهد شد .

**رئیس** - تقریباً مدلول هر سه یکی است .  
**محمد هاشم میرزا** - خیر مختلف است اجازه میفرمایند عرض کنم ؟  
**رئیس** - فرمایند .

**محمد هاشم میرزا** - عرض کنم بنده دو مطلب را منظور داشته ام یکی اینکه در ماده ه نوشته است در اراضی که از دولت اجازه گرفته شده است و در ماده اول نوشته شده در تمام اراضی که در مملکت ایران میخواهند در طلب اشیاء عتیقه کار میکنند باید از دولت اجازه بگیرند و این توضیحاتی که آقای مغیر دادند باینکه اگر اجازه از دولت گرفته شده است معین کردند ملک دولت این معنی در نظر خودشان است و الا این معنی از این عبارت مستفاد نمیشود کلیه اراضی که باید مشغول کار بشوند باید با اجازه دولت باشد چه ملک دولت باشد چه ملک اشخاص منتهی اگر مال اشخاص بود باید رضای مالک را هم در نظر داشته باشد دلایلی را که آقای مغیر فرمودند تمام راجع بود باینکه چون در ملک دولت پیدا شده است متعلق بدولت است و این عبارتی را که بنده پیشنهاد کرده ام که اگر در اراضی دولت باشد یا اجازه دولت گرفته شده است خارج بشود اما اینکه فرمودند در مسئله دفاين البته کسی اجازه دارد آقای مغیر يك فرمایشی را فرمودند بنده بیشترش را عرض میکنم اجازه گرفته است از دولت بواسطه مستخرج اشیاء عتیقه بعد از آنکه مبلغی خرج کرده است بيك دفاينه بر خورده است چه فرق خواهد داشت مثل همان نقره آلات و جواهرات که در ماده چهارم گذشت خیلی خوب صدی ده میخواهد باو بدهد پس لا اقل مخارجی را که این شخص کرده است در این راه آنرا منظور دارید که صدی ده

بملاوه مخارج مستخرج این دفاينه باو بدهد حالا میفرمایند که خرج نکرده است ما نگفتیم که حکماً خرج کرده و قتیکه خرج نکرده گمان نکنید که يك چیزی علاوه ببرد اگر دو تومان خرج کرده دو تومان را میبرد اگر صد تومان خرج کرده صد تومان را میبرد باید دولت در نظر داشته باشد که اگر دفاينه را خودش میخواست کار بکند فرضاً میدانست که دفاينه در کجا است آیا این مخارج را میداد و مستخرج بیک از مأمورین و نوکرهای دولت از طرف دولت يك مستخرجی کرده آیا دولت مخارج مستخرجی او را نباید بدهد بنده عرض میکنم که باید بدهد در هر دو جا یکی در اراضی دولت و یکی در اراضی غیر پس از وضع مخارج .

**رئیس** - کمیسیون قبول میکند .  
**افتخار الواعظین** - چون مخارج را از برای مستخرج دفاينه نکرده بود که باین عنوان قبول شود باینجهت کمیسیون قبول نمیکند ( مجدداً اصلاح مزبور فرائت شد )

**رئیس** - رای میگیریم - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نکردند )  
**رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاح حاج آقا فرائت میشود ( مجدداً فرائت شد )

**حاج آقا** - این توضیحی که آقای مغیر دادند از آن قیدیکه در این ماده شده است هیچ معلوم نمیشود بیکه قیدیکه در این ماده شده است برضد مقصودشان دفايني را هم که از ملک دیگران خارج میشود شامل میشود بجهت اینکه میویسند - در صورتیکه دفاين مستخرجه - بعد بین الهالین نوشته شده است ( از اراضی که از دولت اجازه گرفته شده است ) در ماده اول هم نوشته شده است که حفر اراضی مملکت ایران در طلب اشیاء عتیقه جداً ممنوع است مگر پس از تحصیل اجازه از دولت آنوقت این دو ماده باهم منضم شود معنی این خواهد شد که هر اراضی که از دولت استجازه شده است اگر دفاينه در آن پیدا بشود مال دولت است و این برخلاف آنست که بیان کردند و موافق همان اشکالی است که آقای خیابانی کرده اند و بهجوجه آن اشکالی که در آن جاهست مرتفع نخواهد شد بنده آن پیشنهادی را که کرده ام تصریح باین معنی است که دفاين که در ملک دولت مستخرج میشود با اجازه دولت است مستخرج باید آنرا مال دولت بداند و خودش بيك حق استخراجی برای خودش قائل شده باشد و برای آن اشکالی که در ضمن استجازه اعلام میشود رفع بشود که دفاين که از ملک دولت مستخرج میشود و آن شخص که مستخرج میکند از اول بداند و حاضر باشد برای اینکه در اول ملک دولت داشته باشد و بداند که بيك مستخجمی است در مستخرج دفاين و بيك حق استخدامی دارد از دولت و این قیدی که اینجا بین الهالین کرده اند تصور کرده اند که این اشکال را رفع میکنند این قیدی بیشتر بر ضد مقصود مطلب را اثبات میکنند که از هر اراضی که از دولت استجازه شده در مستخرج عقیقات

یا دفاين شده اگر دفاين مستخرج شده باید مال دولت بداند و حال آنکه همچو نیست باید قید شود که باید در ضمن استجازه با اعلام بکنند این بکلی رفع اشکال را میکند بواسطه این که يك اشکال هست که آن دفاين وقتی که در ملک دیگری هم باشد ممکن است مالک دولت باشد ولی اینجا وقتی که قید شده که در ضمن استجازه اعلام میکند باو که چیزیکه در ضمن عمل از دفاين مستخرج شد مال دولت است بسکلی آن اشکالات رفع خواهد شد و بر خلاف آن عبارتی که نوشته اند مقصودشان حاصل خواهد شد .

**رئیس** - رای میگیریم باصلاح حاج آقا - آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام کنند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - قابل توجه شد با اکثریت ۳۷ رای - چهار فقره دیگر اصلاح پیشنهاد شده ولی چون این اصلاح قابل توجه شد دیگر آنها فرائت نمیشود - آقایان وزراء برای استیضاح آقای نیر السلطان حاضر شده اند بقدر ده دقیقه نفس داده میشود و بعد از نفس استیضاح میشود .

**رئیس الوزراء** - حالا بفرمایند استیضاح کنید .  
**رئیس** - خیر نفس داده میشود .

مجلس مجدداً بعد از نفس یکساعت و ربع قبل از ظهر منقذ گردید )  
**رئیس** - طرحی آقای زنجانی در باب نظریه پیشنهاد کرده اند و پانزده نفر هم امضاء نموده اند میفرستیم بکمیسیون متبکرات و پانزده نفر دیگر از آقایان تقاضای کرده اند راجع بطرح قانونی آقای عز الملک فرائت میشود - بعد رای میگیریم ( تقاضای مزبور بعبارت ذیل فرائت شد ما امضاء کنندگان ذیلاً تقاضا میکنیم که طرح قانونی راجع بشغل دولتی قبول نکردن نمایندگان امروز مطرح مذاکره شود و فوریت آن را تقاضا میکنیم - محل امضاء عز الملک و ۱۵ نفر دیگر ) .

**رئیس** - آقای عز الملک تقاضا کرده اید که امروز مطرح شود .

**عز الملک** - اینکه امروز تقاضا کردم نه مقصود اینست که امروز حتماً مطرح مذاکره شود فقط مقصود این است که پیش از این بتأخیر نیفتد اگر امروز ممکن است که مطرح شود والا جزء دستور روز شنبه گذاشته شود .

**رئیس** - پس برای امروز تقاضا نمیکنید آقای نیر السلط در باب کلیه اوضاع مازندران از آقای رئیس الوزراء استیضاحی داشتید  
**نیر السلطان** - عرض میکنم چون بنده شنیده ام که هیئت دولت برای امور مازندران اقداماتی کرده اند یعنی تهیه و تدارک دیده برای اصلاح آنجا لهذا بنده تادروز استیضاح خود را توقیف می نمایم و اگر پس از ده روز اقدامی نشد آن وقت استیضاح منسایم .

**رئیس** - استیضاح را توقیف نمیشود کرد مگر مسترد دارید .

**نیر السلطان** - مسترد می دارم و بعد استیضاح میکنم .



**رقیسی** - ماده شش از قانون عتیقات خوانده می شود (ماده مزبور عبارت ذیل فرائد گردید

ماده ۶ - آنچه اثابیه سلطنتی از قبیل تاج و تخت و شمشیر و کمر و شمشیر و خرد و زر و نوزه و سایر آلات حربیه مرصع بجواهر و همچنین ظروف و اشیاء دیگر که در آن اسم سلطنتی منقور و علامت دیگر معلوم باشد که متعلق به سلطنتی بوده متعلق بدولت خواهد بود و دولت در ازای حق الزحمه ده یک از قیمت آنرا مستخرج میدهد

**رقیسی** - مخالفی نیست؟ (آقا شیخ غلام حسین بنده)

**آقا شیخ غلامحسین** - بنده چنانچه در ماده قبل عرض کردم در این ماده هم عرض میکنم که اگر بنا باشد این قانون باین ترتیب از مجلس بگذرد بکلی استخراج عتیقات از میان خواهد رفت آنها شما میگوئید تاج و تخت کمر و شمشیر و سایر آلات مرصع و هر ظرف و اشیائی که اسم سلطنتی در او منقش است و با علامتی در او باشد راجع به سلطنت است دولت هم را تصرف می کند صدها میدهند با شغلی که استخراج کرده اند و بنده تصور میکنم که اگر این ماده بگذرد هیچکس نخواهد رفت استخراج عتیقات کند و عقده بنده این است خوب بود که وزارت فواید عامه یا کمیسیون در کلیه بلاد و واحده پیشنهاد می کردند که از جمله اشیائی که استخراج میشود صدی نود او را دولت ببرد صدی ده مستخرج بدهد دیگر لازم نبود چندین ماده باشد بجهت اینکه این ماده با ملاحظه ماده ۷ دیگر موضوعی نمایاند در ماده سوم و چهارم می نویسند که صدی ۲۰ داده میشود بدولت بعنوان مالیات و باز هم تکرار می کنم عرض خود را که اگر این قانون باین ترتیب از مجلس بگذرد بکلی استخراج عتیقات از بین خواهد رفت

**معاون علوم** - تصویریکه آقای آقا شیخ - غلامحسین فرمودند بنده هیچ نمیتوانم تصور کنم که این قسم عتیقات خیلی زیاد است و حکما هر کس در این اقدام بکند چیزی بدستش نخواهد آمد این هیچ دخلی باین قبیل چیزها ندارد اینها را ما تصور اتفاق و تصور احتیاط نوشتیم و یقین داریم که اگر بیست سال در اراضی این مملکت حفاریات کنند شاید ۵ پارچه از این چیزها بیرون بیاید و این تصور استثناء فوق العاده نوشته شده که اگر بکنند چیزی باشد این قسم رفتار بشود و الا آنچه بیکه امروز طرف توجه است و مقصود از عتیقات هم آنها است اینها همان چیز است که در مواد قبلا ذکر شد و اینها را عرض کردم بطور فوق العاده نوشته شده و در واقع بجان موهوم است و شاید به جهت هم میگویند استخراج نشود

**حاج سید ابراهیم** - این بیانات آقای معاون هیچ نتیجه و جواب قانعی نمیشود بجهت اینکه میگوید ظروف و اشیائی که اسم سلطان با علامتی در او باشد که معلوم شود مال سلطنت است اولاً سؤال میکنم که آن علامت چه خواهد بود البته بنابرین اگر یک حکم میگوید هم از طرف سلطنتی حاکم باشد چیزی در اشیائی منقور کند و یا علامتی از آن حکم در اشیائی باشد البته آنها هم متعلق به سلطان است بنده نمیخواهم سؤال بکنم از آقای معاون که بر این استثناء که غیر از یک کاسه کبی برای مستخرج چه باقی خواهد ماند و بعد از این استثنای متوالی چه نفع خواهد بود

**افتخار الواعظین** - اینجا اگر چنانچه کمیسیون فقط قاعدهای کرد بهمان جمله کمیسیون فقط اسم سلطنتی در او منقور باشد فرمایش آقای حاج سید ابراهیم وارد بود ولی اینجا نوشته شده است که در آن علامتی باشد مقصود این است که از روی آن علامت مدلل و ثابت شود که این جزء اثابیه سلطنتی بوده است و متعلق بیک پادشاهی بوده است اما آقای حاج سید ابراهیم تصدیق نخواهند فرمود اما اگر یک چیزی متعلق بیادشاهی خارج شود او متعلق بیادشاه و دولت نخواهد بود بلکه تصدیق خواهند فرمود اثابیه سلطنتی متعلق بدولت است اینجا کمیسیون فقط اسم سلطان منقور باشد را کافی ندانست قید کردند که بلام دیگر ثابت شود که این از اثابیه سلطنتی بوده است و متعلق بیادشاهی است و قتیکه ثابت شد که جزء اثابیه سلطنتی است پس می باشد که باید متعلق بدولت و پادشاه باشد

**آقا محمد پروچردی** - بنده اولاً این مقدار را که معین کرده اند خیلی زیاد میدانم بهمان ادله که ذکر شد که حالا تفصیل نمیدهم و علاوه بر این فقط علامت خیلی اسباب اشکال و صعوبت تکلیف خواهد شد همین جوییکه آقای افتخار الواعظین اظهار نمودند که جواب این شد این که میگوید در ظروف و اشیائی که در آن اسم سلطنتی منقور و یا علامتی باشد عرض میکنم که در اغلب این عتیقات خاصه این ظروف شی که چندان قیمتی در آنها نیست مگر در او غصی یا تاریخی باشد که یک اندازه رنج ضرر مخارج مستخرج را بکند مثلا فرض بفرمائید که نوشته شده است در او که این ظرف در زمان سلطنت فلان سلطان ساخته شده است این اید رضی با ثابیه سلطنتی ندارد و این که این جا فقط نوشته شده است و این مسئله اسباب این میشود که معاونین دولت با قوه فاعله او را خواهند برد و فی الواقع چیزی باقی نخواهد ماند برای مستخرج مگر دو سه تیکه های شکسته که ناقص است و این لفظ مشابه است خوبست توضیح بشود زیاد است

**عزرا الملک** - بنده تصور میکنم که این اظهارات که این جا میشود چندان موافق با واقع مقصود ما نباشد یعنی این ماده که نوشته شده است نگفته است که کسی حفاریات نکند که این را توضیح بکنند باید تصدیق بکنیم استخراجی که میشود تنها برای اثابیه سلطنتی نیست برای بعضی چیزهاست که قبلی باشد و حالا حقیقا بعضی چیزها است که جزو آن چیزهایی است که باید متعلق بدولت باشد و باید جزو اثابیه سلطنتی و ملکی باشد و حالا باسم غیر و انکار شده است با ثابیه سلطنتی از قبیل تخت و تاج و شمشیر و کمر و شمشیر و غیره چیز فوق العاده نوشته شده است نوشته اگر سلطان سلطنتی بوده باشد باسم با ثابیه باشد که معلوم بکنند که این اشیاء مال آن پادشاه بوده است آن وقت آن متعلق بدولت است هیچ نگفته اند همین که یک شعر نوشته در او و اسم آن پادشاه هم جزء آن شعر باشد متعلق بدولت است خیر اینطور نیست میگوید علامتی باشد که ثابت بکنند که این مال بدولت و سلطنتی بوده است اگر فرض بکنیم که حفاریات نخواهد بود

بند یک چیز بدی نیستیم که حفاریات نشود اگر حفاریات نشود یک چیزهای گرانبهای در زیر زمین خواهد ماند که مردم آنرا استخراج نمیکند

**حاج شیخ الرئیس** - بنده لازم میدانم انظار آقایان را متوجه این مطلب بکنم که سلطنتی که متصرفان دو جور است یکی اثابیه سلطنت نوعیه که معمول نیست از جهت دست بردارست حاصل اینکه سلطنتی بملک همیشه دارای آن امتیازات بوده اند که زبان فقهی دنیایا میگویند حالا مادر آنگونه متصرفات سلطنتی و محکومات آنها حرف نداریم آن باید در تحت یک عنوان دیگری باشد ولی اینرا هم باید ملتفت شد که سلطنتی مثل سایر مردم معاملات و محکومات دارند مزارع و املاک دارند از آن جمله شاید از یک مالی که بر حسب ظاهر باید محکوم بصحت باشد تا فسادش معلوم بشود مثلا پدرش مادرش با او همه داده است مال شخصی او است حالا ما از کجا اولاً تمیز میدهم که بعد از هزار سال یک ششیری از زیر زمین بیرون آمد که این مال خاص خالص نادر شاه مرحوم است پادشاه سلطان حسین صفوی اولاً این کجا دلیل بر مالکیت او میشود لی بنده مسلم گرفتم که مال شاه سلطان حسین صفوی است این نادر شاه است دلیل اینکه ندهند بورات او و پادشاه عصر بدهند یا پادشاه کشوری که مستخرج است ضربه در مملکت او میشود یعنی چه بنده تحقیق او را موهوم تر از آن بانی میدانم که آقای معاون کردند به مواد فرضیه قبل الوقوع در تمام قوانین پیدا میشود ولی باید برای همان مواد فرضیه قبل الوقوع که بنظرشان موهوم است ممکن است یک دلیل عادلانه معلومی نوشت که اگر یک همچو چیزی پیدا شد اگر مال سلطنتی بود و محقق شد که پادشاه او بدهند و اما اینکه نوشته اند اسم پادشاهی منقور باشد یا با علامت دیگری همانطور که خودشان بیان کردند در یک کاسه یا یک ظرفی این اسم و علامت باشد این هیچ دلیل منکبت آن پادشاه نمیشود زیرا که می بینم و شنیده ام از معاصرین باسم پادشاه و شاهزادگان محض افتخار بیاوراج آمده و اقصیه اسم می نویسند پس این هیچ دلیل و هیچ قانون شرعاً و عرفاً دلیل بر مالکیت او نمیشود بنده خیلی ممنون بشوم که آن علامت را ذکر بفرمائید و بعد از آن نامه سال ثابت میکند و معلوم میکنم که این مال شاه سلطان حسین است یا مال فلان پادشاه است

**مخبر** - آقای حاج شیخ الرئیس اگر یک نظر اجمالی بوقایع تاریخی ایران بفرمائید کمالاتی که بنده قطع دارم که کاملاً بضرع تفصیل در این تاریخی در نظرشان هست این منکبت از تهاجمات و وقایع اتفاقیه که در این مملکت اتفاق افتاده است از ابتداء تشکیل دولت عجم آن تهاجماتیکه از ملل و دول اجنبی باین مملکت شده است و آنوقت تصدیق خواهند فرمود که هست در میان عتیقات این مملکت اشیائی که اثابیه سلطنتی است و متعلق بیادشاه است و اینجا هم مراد کمیسیون این است که همیشه یک طرفی و بر روی آن اسم پادشاهی منقور باشد بگویند این متعلق بدولت است خیر باید ثابت بشود که این

جزء اثابیه سلطنتی بوده است و متعلق بیادشاه است و اما مفرمائید که بورت آنها بدهند اغلب سلاطین که اگر این اشیاء استخراج شود و پیدا شود ماباید وراث آنها را بدانیم گمان میکنم ماهیچ دودمان و وراثشان را نتوانیم بیابیم پس باید داد بدولت و پادشاه عصر اینجا مراد این است که اگر ثابت شد جزء اثابیه سلطنتی است متعلق بدولت است حالا اگر عبارت را کافی نمیدانند پیشنهادی بفرمائید البته مجلس و کمیسیون خواهند پذیرفت

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی است پیشنهادی از طرف محمد هاشم میرزا شده است قرائت میشود (پیشنهاد مزبور عبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم جزء آخر ماده (۶) اینطور نوشته شود دولت علاوه مخارج مستخرج ده یک قیمت آنرا بعنوان حق الزحمه مستخرج میدهد

**محمد هاشم میرزا** - بنده که آن پیشنهاد را نمودم بالاخره چون پیشنهاد آقای حاج آقا که تخصیص باراضی دولت بود قابل توجه شد پیشنهاد بنده رد شد شاید قانع باشم ولی در این ماده که هیچ اختصاص باراضی دولت هم داده نشده است و مطلقاً میگویم هر چه پیدا شد از قبیل این اشیاء چه از اراضی دولت و چه غیر اراضی دولت ده یک مستخرج میدهند مابقی حق دولت است بنده ده یک را کافی نمی دانم بقیه باید مخارج او را منظور داشت و پس از مخارج ده یک بعنوان حق الزحمه باو بدهند و حالا مثل بعضی از آقایان در مصداقش کاری نداریم که کدام یک از اشیاء را باید گفت متعلق بدولت است او از موضوع ما خارج است و در این مسئله خیلی باید مدافعه کرد ولی بنده عرض می کنم اگر همچو چیزی پیدا شد اسم از اینکه در اراضی دولت یا غیر دولت خوب است آقای مخبر حق الزحمه را همان ده یک بفرمائید و ممکن هست که در ملک خودش باشد و زحمت هم کشیده باشد ولی مخارج استخراج او را هم بدهند پس از وضع مخارج ده یک حق الزحمه بدهند اگر هم زیاد میدانند ده نیم حق الزحمه بدهند

**رئیس** - مخبر کمیسیون قبول دارد این پیشنهاد را ؟

**مخبر** - چون تشخیص مخارج یک چیزی است که ممکن است اسباب زحمت و اختلاف بین مستخرج و معاونین بشود باینجهت کمیسیون دادن مخارج را تصویب نمیکند

**رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانی که تصویب می کنند تمام نمایندگان (کسی قیام نکرد)

**رئیس** - قابل توجه شد آقای رئیس الوزرا اظهاری داشتید ؟

**رئیس الوزرا** - از بابت بودجه دربار بود هیئت وزراء لایحه پیشنهاد کرده اند که قرائت بشود حضور نمایندگان محترم محل اطلاع

**وزیر خارجه** - بعد از ورود والا حضرت آقای نایب السلطنه مسلم بود که نظر اولیاء دولت و نمایندگان ملت همیشه بر این بود که از نظریات و اطلاعات و راههای مقننه ایشان استفاده بکنیم و در امورات منکنی نظریات و رأی ایشان را محض توجه قرار

بدهیم که برای ما اسباب سعادت و موجب پیشرفت مقاصد است و لکن متأسفانه در یکی از امور که مستقیماً راجع بایشان بود غفلتی واقع شده است بدون اینکه نظریات و ملاحظه ایشان در آن بشود از مجلس گذشته و این مسئله مسلماً خیلی بمقام نیابت سلطنت بر خورده است و حق هم نیست باین واسطه هیئت وزراء در این باب لایحه بمجلس محترم پیشنهاد کردند که اینک از اطلاع خاطر نمایندگان محترم بگذرد (لایحه مزبور را ببارت ذیل آقای وزیر خارجه قرائت نمود)

مقام محترم مجلس شورای ملی - چون از قرار معلوم بودجه دربار در این چند روز در مجلس تحت مذاکره آمده و با حد و اصلاحی که در کمیسیون بودجه سابق شده بود از مجلس گذشته است هیئت وزراء لازم میدانند تفصیل امر وی ترتیبی پیشنهاد آنرا با اطلاع نمایندگان محترم برسانند اوایل ورود والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمة معروض افتاد که بودجه بجز و هم در عهد نیابت سلطنت و وزارت دربار سابق داشته و پیشنهاد کرده بودند بعد از انتخاب والا حضرت معظم البه باین مقام در غیاب ایشان بدین اینکه تحصیل اجازه کرده باشند یا از مبنی و ترتیب آن والا حضرت اقدس را استحضاری حاصل آمده باشد در کمیسیون مجلس در آن تغییرات داده شده والا حضرت معظم البه بعد از ورود خودشان محض اینکه موافق قواعد معموله نباید بودجه دربار بجز و به مجلس رفته باشد ریاست سابق مجلس و معاون وزارت مالیه اسبق مقرر فرمودند بودجه را از مجلس پس بخواهند تا در موقع اقتضای وزارت مالیه با تحصیل اجازه از نیابت سلطنت عطفی مبنی بدون جز و بطوریکه همه جا مرسوم است بمجلس پیشنهاد نمایند و حسب الامر چنانکه رئیس کمیسیون بودجه کاملاً مستحضر است که بودجه از مجلس اعاده شد عجب اینکه معاون وزارت مالیه هم مواقع را از حضور والا حضرت گمان کرده دیگر بعد از آن هیچ مذاکره در این باب بعمل نیامده و ابتدا انتظار نرفت که با چنین مقدماتی مواد یک بودجه استرداد شده بدون اطلاع وزارت مالیه وقت که این امر راجع بمسئولیت خاص او هست و باید بدو از نیابت سلطنت عظمی استخراج نمایند با حک و اصلاحاتی که در کمیسیون سابق و بدون اجازه حاصل کرده بود بمجلس پیشنهاد شود و حال آنکه اگر مشورتی با خود والا حضرت اقدس دامت عظمة شده بود البته با مقتضیات حفظ اعتبار دربار از ملاحظه و صرفه صلاح ملت صلاح نظر نمی فرمودند اگر چه معین است اغلب نمایندگان محترم مستحضر شده اند که این بودجه بقدر بی ترتیب پیشنهاد شده و بهت آن بر کسی است که بدون هیچ دقت و ملاحظه و اجازه این تصرفات را نموده و از ایشرو حقیقتاً کمیسیون بقتل افتاده و چنین وهنی نیابت سلطنت وارد آمده ولی در هر حال چون در ممالک مشروطه این مسائل جای کمال دقت و اهمیت است حتی امور راجعه به هیچ وزارت خانه مرسوم نیست قبل از مشورت و استطلاع عقیده و نظر وزیر مسئول آن وزارتخانه بمجلس پیشنهاد شود و در این موضوع که امدیش بر این بیشتر از یک وزارتخانه است و میبایستی

مقام محترم مجلس شورای ملی - چون از قرار معلوم بودجه دربار در این چند روز در مجلس تحت مذاکره آمده و با حد و اصلاحی که در کمیسیون بودجه سابق شده بود از مجلس گذشته است هیئت وزراء لازم میدانند تفصیل امر وی ترتیبی پیشنهاد آنرا با اطلاع نمایندگان محترم برسانند اوایل ورود والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمة معروض افتاد که بودجه بجز و هم در عهد نیابت سلطنت و وزارت دربار سابق داشته و پیشنهاد کرده بودند بعد از انتخاب والا حضرت معظم البه باین مقام در غیاب ایشان بدین اینکه تحصیل اجازه کرده باشند یا از مبنی و ترتیب آن والا حضرت اقدس را استحضاری حاصل آمده باشد در کمیسیون مجلس در آن تغییرات داده شده والا حضرت معظم البه بعد از ورود خودشان محض اینکه موافق قواعد معموله نباید بودجه دربار بجز و به مجلس رفته باشد ریاست سابق مجلس و معاون وزارت مالیه اسبق مقرر فرمودند بودجه را از مجلس پس بخواهند تا در موقع اقتضای وزارت مالیه با تحصیل اجازه از نیابت سلطنت عطفی مبنی بدون جز و بطوریکه همه جا مرسوم است بمجلس پیشنهاد نمایند و حسب الامر چنانکه رئیس کمیسیون بودجه کاملاً مستحضر است که بودجه از مجلس اعاده شد عجب اینکه معاون وزارت مالیه هم مواقع را از حضور والا حضرت گمان کرده دیگر بعد از آن هیچ مذاکره در این باب بعمل نیامده و ابتدا انتظار نرفت که با چنین مقدماتی مواد یک بودجه استرداد شده بدون اطلاع وزارت مالیه وقت که این امر راجع بمسئولیت خاص او هست و باید بدو از نیابت سلطنت عظمی استخراج نمایند با حک و اصلاحاتی که در کمیسیون سابق و بدون اجازه حاصل کرده بود بمجلس پیشنهاد شود و حال آنکه اگر مشورتی با خود والا حضرت اقدس دامت عظمة شده بود البته با مقتضیات حفظ اعتبار دربار از ملاحظه و صرفه صلاح ملت صلاح نظر نمی فرمودند اگر چه معین است اغلب نمایندگان محترم مستحضر شده اند که این بودجه بقدر بی ترتیب پیشنهاد شده و بهت آن بر کسی است که بدون هیچ دقت و ملاحظه و اجازه این تصرفات را نموده و از ایشرو حقیقتاً کمیسیون بقتل افتاده و چنین وهنی نیابت سلطنت وارد آمده ولی در هر حال چون در ممالک مشروطه این مسائل جای کمال دقت و اهمیت است حتی امور راجعه به هیچ وزارت خانه مرسوم نیست قبل از مشورت و استطلاع عقیده و نظر وزیر مسئول آن وزارتخانه بمجلس پیشنهاد شود و در این موضوع که امدیش بر این بیشتر از یک وزارتخانه است و میبایستی

**رئیس** - تقاضائی که شده است انعقاد یک کمیسیون است حالا نمیدانم که در این موضوع امروز مذاکره بکنیم یا بگذاریم برای جلسه دیگر

**آقامیرزا مرتضی قلیخان** - اجازه بفرمائید دو کلمه توضیح بدهم که اذهنان آقایان مسبوق شود

**رئیس** - این توضیح لازم ندارد مسئله این است که یک کمیسیونی انعقاد شود باید رأی بگیریم امروزه مطرح شود یا بماند برای جلسه آتی که این لایحه وزراء هم طبع و توزیع شده و اذهنان مسبوق شود (اظهار شد که امروزه مطرح شود)

**رئیس** - رأی میگیریم آقایانی که تصویب

خیلی وقع بدربار دولت گذاشته میشد باید اعتراف نمود که بواسطه صرف نظر از رعایت این نکته آتوهم واقع شده و بهمین جهت است که والا حضرت اقدس مداخله خودشان را در امر دربار و هن دیگری فرض فرموده و نتیجه منطقی این ترتیب را بنظر دانسته اند که هیئت وزراء از نمایندگان محترم درخواست نمایند که کمیسیونی از طرف مجلس تعیین و مأمور بشود که با اطلاع وزراء بودجه دربار را اجراء و اداره نمایند و مخصوصاً این نکته را قید و تصریح فرمودند که تمام این اظهارات از طرف شخص خودشان است زیرا که اختیار دربار باید حتماً با سلطنت عظمی باشد و از حقوقی است که نمیتوانند منسلوب شود و در موقع خود باقی و محفوظ است و اظهارات فوق ابتدا نباید خیلی بتعوق سلطنت وارد نماید در باب آنچه راهم برای نیابت سلطنت عظمی منظور شده و قدر موند که بمشاش شخصی اکتفاء فرمائید فقط برای مخارج بعد از این مستحفظینی که تاکنون خودشان داده اند باید قرار مخصوص داده شود برای سایر مخارج نیز وزارت مالیه مباحثی تعیین نمایند که هر چه در موقع لازم شد بتصویب هیئت وزراء خود آن مباشر تهیه و خرج نموده مسئول وزارت مالیه باشد

**وزیر خارجه** - این پیشنهادی بود که از طرف وزراء شده است و ملاحظه کمیسیون همان نکته منطقی است که خود آقای نایب السلطنه از این مسئله استخراج و استنباط فرمودند و مسلم است که در این موقع کمال اهمیت را داشت که نظریات خود والا حضرت مطالعه و ببویع اجراء گذاشته شود چون اینکار نشده است و بعضی مشکلاتی هم بالفعل در دربار پیش آمده و اهالی دربار بواسطه تعقیباتیکه از این بودجه در خودشان می بینند کار را بیورد اشکال آوردند و اظهاراتی میکنند که شاید هم حق داشته شاید برای والا حضرت هم کمال زحمت است که در مقابل آن اظهارات اقدامی بکنند این است که هم نمیخواهد در آن موضوع اظهاری فرموده باشند مباد بعضی شبهات برای بعضی اشخاص پیدا بشود و از طرف دیگر وضع دربار را می بینند نمیتوان اداره کرد و نمیخواهند کار اطلاع دولت پوشیده بماند نمایان است که نمیخواهند بکلی خودشان را خارج و در این مسئله بیچوجه مداخله نکنند در ترتیب دربار هم بطوریکه اسباب اعتبار یک دولتی و حیثیت یک سلطنتی است اداره شده باشد و باین واسطه طرز دیگر بنظر نمی آید و برای رفع این اشکال چیزی بنظر نمایان جز اینکه یک کمیسیونی تشکیل شود از برای اینکه این سابقه پیش آمده است خودشان را بکلی بکنار گذارند باشد حالا بنظر آقایان هر چه میاید در این مقام البته باید عمل شود

میکنند این مسئله امروز مطرح شود قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) رئیس - با اکثریت تصویب شد که امروز مذاکره شود .

**محمد هاشم میرزا** - چون رأی دادن باین کمیسیون موقوف باین است که لایحه که از طرف وزراء پیشنهاد شده است بنده میخوانم عرض کنم که انعقاد این کمیسیون را جایز خواهند داد است یا جایز نخواهند داد است اولاً چون مطالب باید شور شود لهذا عرض می کنیم یک قسمتی از نطق وزیر امور خارجه را کاملاً تصدیق میکنم و مقام مقدس نیابت سلطنت را منزه و میرا از هر چه میدانم مقصود اینکه از کمیسیون گذشته است عرض میکنم این بودجه دربار که بکمیسیون بودجه آمد در عهد نیابت سلطنت مرحوم عبدالملک بود آنوقت ایشان زنده بودند و نظریاتی که کرده بودند و وزارت مالیه آنوقت بمجلس پیشنهاد کرد در چندین ماه قبل وزراء آنوقت هم مطرح مذاکره شد و از طرف دیگر هم معلوم نیست که این راجع به نیابت سلطنت است نه راجع بشخص واحدی مثل یک وزارت خانه البته نظریات نیابت سلطنت آن وقت هم مدخلیت داشت این بود که با نظرات نیابت سلطنت آنوقت ما مطرح قرار دادیم و تا دو ماه هم در کمیسیون با حضور معاون وزارت مالیه در آن مذاکره کردیم تا بالاخره این اتفاقات افتاد و تشریف فرمائی آقای نائب السلطنه حالبه نزدیک شد گفتیم چند روز باشد که ایشان وارد شوند چند روز توقیف شد تا ورود ایشان بعد معاون وزارت مالیه آمدند پس گرفتند بپرسند که نظراتی دارند بکنند بدهند بعد از اینکه معاون وزارت مالیه آنرا پس گرفت یعنی بردند که نظریات خودشان را کرده بیاورند بعد از چندی که گذشت بقیه این مسئله مذاکره شد و این کمیسیون بیایستی کمیسیون استجازه کند کمیسیون بهیچوجه طرف با والا حضرت نباید بشود کمیسیون با وزارت مالیه یا نماینده مالیه طرف است و از او اجازه خواست اگر اینطور بوده است که استعمال استجازه از مقام نیابت سلطنت شده باشد این یک چیزی است راجع بوزراء خصوصاً وزیر مالیه بهیچوجه من الوجوه راجع بکمیسیون نیست چیزی که بکمیسیون از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است در تحت مذاکره آورده است و مذاکره کرده است و بمجلس هم رسیده است و گذشته است و حالا هم انعقاد کمیسیون جهتی ندارد تصور نمیکنم که از اول انعقاد مجلس تا حالا یک همچو پیشنهادی شده باشد که یک کمیسیون حاکم بمجلس باشد یا محاکمه کند یا بشود بپرسد یا پیشنهاد وزراء تقریباً این کمیسیون محاکمه خواهد نمود که بپیشنهاد وزراء درست است بیانظر آقایان لهذا بنده باین کمیسیون عقیده ندارم .

**وزیر خارجه** - اینجا یک اشتباهی باید شده باشد و آن این است که باید فهمید که بعد از اینکه بودجه را از کمیسیون پس گرفتند معاون مالیه یا وزیر مالیه آمده است بکمیسیون گفته است که نظریات آقای نائب السلطنه اینطور بوده گفته است و داخل مذاکره شده است اگر چنانچه معاون مالیه یا وزیر مالیه آمده باشد و این اظهار را کرده باشد آنوقت البته

ایراد بوزارت مالیه خواهد بود و اگر بنامه باشند و بکرده خودشان دنباله این کار را گرفته باشند آنوقت نمی دانم ایراد با کی است و اینکه فرمودند که کمیسیون حاکمه معین بکنند این طور نیست شاید بنده نتوانسته باشم درست ادای مطلب را کرده باشم آنوقت استند کمیسیون حاکمه تعیین بکنند مقصود این است که بودجه دربار بودجه است که سر بسته بدر بار میهند و آنوقت او را میبایستی که خود سلطنت که باشخصی که داخل کارند و فی حق هستند تقسیم این حقوق را بکنند اما اینجا یک حقوقی را تقسیم کرده اند و حالا که می خواهند آن حقوق را در میان اشخاص تقسیم بکنند رسانست و کفایت نمی کند و والا حضرت هم اگر بخوانند بفرمایند که این کفایت نمی کند نمی خواهند این اظهار را بکنند که سوء تفاهمی بشود و اگر بفرمایند که کفایت میکند اهالی دربار متقاعد میشد باین واسطه بود که یک کمیسیون خواسته اند که آن کمیسیون به نشیند و با اطلاع وزارت مالیه رسیدگی کنند و برای دربار قسمت کنند تا اینکه هم ساخت ایشان منزه باشد و هم حقوق اجزاء درباری درست منظور شده باشد که اسباب زحمت برای دولت و ملت معین نشود

**رئیس** - آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان توضیحی داشتید بفرمایند .  
**آقای میرزا مرتضی قلیخان** - بعضی مطالب است که در مجلس شورای ملی می شود باید رعایت مخالف و موافق بشود که به بنیمه مطلب چیست ولی این مسئله اتفاقی است بجهت اینکه هم اتحاد و هم اتفاق ملت در این است که هر چه آقای نائب السلطنه بفرمایند صحیح است و در مورد فرمایشات شخص والا حضرت طوری اتفاق دارند که هر چه میفرمایند بدون دلیل و برهان قبول می کنند پس از اینجهت است که عرض می نمایم و این در باب توضیح است که آقایان می فرمایند بنده این را توضیح نمایم این بودجه که نوشته شده بود در زمان وزارت دربار آقای مستوفی الممالک نوشته شده و در زمان نیابت سلطنت مرحوم عبدالملک ولی تمام نشده و بمجلس بنامه بود تا زمان ریاست وزراء آقای مستوفی الممالک بمجلس آمد و در زمان وزارت مالیه مرحوم صنیع الدوله و آنهم بطور رسمی نبود که در مجلس علنی تقدیم شده باشد همینقدر این را آوردند بهیئت رئیسه و هیئت رئیسه دادند بکمیسیون بودجه که نظریاتی در آن بود در کمیسیون بودجه خواستند مشغول نظریات بشوند گفته شد که باید نظرات مالیه اولاً بشود بجهت اینکه وزارت مالیه بهتر مسبق است از ترتیبات ادارات سلطنتی تا ما که اینجا هستیم و خارج از عمل دربار سلطنتی هستیم و وزارت مالیه امتناع کرد که مالیه را حق نظارت در این نیست و ما اصرار کردیم که شما و من غیر رسم نظریات بکنید لهذا من غیر رسم نظریاتی از طرف مالیه شد و داده شد بکمیسیون بودجه در آنجا شروع بمذاکره شد بنصف رسیده بود که آقای نائب السلطنه حالبه وارد شدند روز سوم ورود ایشان معاون وزارت مالیه عمید الحکماء آمدند بکمیسیون و این بودجه را استرداد کردند و اظهار داشتند که والا حضرت خیلی متالم شده اند از اینکه چرا بر خلاف

قوانین تمام ممالک متمدنه بودجه دربار جزوه جزو بمجلس داده شده است و بودجه دربار را که بصحه مرحوم عبدالملک است خواسته اند و باید رد شود مامم عین آن بودجه را رد کردیم ولی چون زحمتی کشیده بودیم و تا نصف رسیده بود کمیسیون استعداد دارد نظراتش را تا بآخر رسیده و تا این است که قصد کمیسیون این بوده است که نظراتی بکنند و جزء به جزء اجزاء دربار را برای شان حقوق معین بکنند که وهنی وارد شود بلکه بجهت اینکه نظراتش از روی مأخذ صحیحی باشد و خواست مأخذی بدست بیاید که از روی آن مأخذ حکم کلی بکنند فقط یک ماده واحد اتخاذ کرد و آن ماده واحد آمد بمجلس حالا بدون نظرات آقای نائب السلطنه یک ترتیبی پیش آمد بدون هیچ سابقه و بدون هیچ تفسیری و بدون اینکه ملاحظه شده باشد که خواسته باشند تعدی بکنند کمیسیون و نه مجلس در این باب هیچ سابقه نداشت که ترتیب این چیست و از بنده توضیح خواستند که عرض کنم مجلس باید خلوص نیتی و با یک صمیمیتی در کمال میل آنچه پیشنهاد شده بود تصویب کرده است بدون مباحثه و مذاکره ملاحظه اینکه بقیه کردند که کمال مساعدت را نموده اند و بنده گمان میکنم که اگر این بودجه بنظر مبارک خودشان میرسد و خودشان میخواهند اصلاح بکنند خیلی کمتر از این اصلاح میکنند و همچنین باز همچو احتمال میدهیم که اگر چنانچه چندین برابر این اندازه شخص خود ایشان تقدیم بمجلس میکردند و میفرمودند که من مقضی میدانم این مبلغ تصویب شود مجلس بدون اینکه مذاکره و مباحثه شود تصدیق میکرد پس اینطوری که این مسئله اتفاق افتاد عدی نبوده است و والا حضرت اقدس تصور میکنم که خودشان بخوبی مستحضرنند از حسن نیت مجلس در حق ایشان فقط تصور میکنم که شاید در خارج کسی ملتفت نشود باین مطلب و تصور کنند که مجلس بدون اتخاذ رأی ایشان این بودجه را تصویب کرده است که این وهن بمقام منبع ایشان برسد و باین جهت تصور میکنم که این مذاکرات اینجا رفع تمام وهن ها را بکنند و بنده با کمال جسارت این عرض میکنم که ابدا مقام منبع نیابت سلطنت فرمایشی نکند که برخورد و گویا حق نداشته باشند مقام منبع نیابت سلطنت را فرمایشی بکنند که بآن مقام برخورد و اینکه خواسته اند که مجلس یک کمیسیون تعیین کنند و بیایند دربار ترتیب آنجا را تعیین بکنند این بمقام سلطنت برمیخورد و با کمال جسارت عرض میکنم گویا این حق را نداشته باشند که این تقاضا را بفرمایند و مجلس هم گویا حق نداشته باشد که این تقاضا را بقبول بکنند ایشان باید با کمال بزرگی و حقی که دارا هستند امر بفرمایند یک کمیسیون از وزراء تشکیل بدهند چه کمیسیونی است بالاتر از وزراء که همیشه داخل دربار بوده اند و اطلاعات درباری دارند ترتیبات دربار را بدهند و تقسیم بکنند بقیه دارم که ایشان هم ملاحظه تمام نکات و مقام سلطنتی را خواهند کرد و بقیه دارم بنده که نسبت بشخص خودشان هیچ حرفی نخواهند داشت و بعداً مداخله هم در آن نخواهند کرد و بقیه است که هیئت دربار چیزی را که ایشان عرضه بدارند ایشان تصویب خواهند کرد و بهیچ وجه محتاج به تصویب

**رئیس** - آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان توضیحی داشتید بفرمایند .  
**آقای میرزا مرتضی قلیخان** - بعضی مطالب است که در مجلس شورای ملی می شود باید رعایت مخالف و موافق بشود که به بنیمه مطلب چیست ولی این مسئله اتفاقی است بجهت اینکه هم اتحاد و هم اتفاق ملت در این است که هر چه آقای نائب السلطنه بفرمایند صحیح است و در مورد فرمایشات شخص والا حضرت طوری اتفاق دارند که هر چه میفرمایند بدون دلیل و برهان قبول می کنند پس از اینجهت است که عرض می نمایم و این در باب توضیح است که آقایان می فرمایند بنده این را توضیح نمایم این بودجه که نوشته شده بود در زمان وزارت دربار آقای مستوفی الممالک نوشته شده و در زمان نیابت سلطنت مرحوم عبدالملک ولی تمام نشده و بمجلس بنامه بود تا زمان ریاست وزراء آقای مستوفی الممالک بمجلس آمد و در زمان وزارت مالیه مرحوم صنیع الدوله و آنهم بطور رسمی نبود که در مجلس علنی تقدیم شده باشد همینقدر این را آوردند بهیئت رئیسه و هیئت رئیسه دادند بکمیسیون بودجه که نظریاتی در آن بود در کمیسیون بودجه خواستند مشغول نظریات بشوند گفته شد که باید نظرات مالیه اولاً بشود بجهت اینکه وزارت مالیه بهتر مسبق است از ترتیبات ادارات سلطنتی تا ما که اینجا هستیم و خارج از عمل دربار سلطنتی هستیم و وزارت مالیه امتناع کرد که مالیه را حق نظارت در این نیست و ما اصرار کردیم که شما و من غیر رسم نظریات بکنید لهذا من غیر رسم نظریاتی از طرف مالیه شد و داده شد بکمیسیون بودجه در آنجا شروع بمذاکره شد بنصف رسیده بود که آقای نائب السلطنه حالبه وارد شدند روز سوم ورود ایشان معاون وزارت مالیه عمید الحکماء آمدند بکمیسیون و این بودجه را استرداد کردند و اظهار داشتند که والا حضرت خیلی متالم شده اند از اینکه چرا بر خلاف

**حاج وکیل الرعایا** - گمان بنده این است که دوازده یاد داشت والا حضرت اقدس آقای نائب السلطنه بمجلس فرستاده اند و آنها تصدیق میکرد حقوق حاکمیت ملت را و این یکی که چهاردهمی است تفکیک میکند حقوق سلطنت را خوبست همه وقت تساری حقوق در همه جا منظور شده باشد بیه سایر دولتها شاید صدی یک از عایداتشان را بمعارف سلطنتی میدهند اما باید دانست که دولتی هم هست که سه هزار کرور عایدی دارند آنوقت تصور کنند که صدی یک چقدر میشود ملکیت مایک دربارشاهی را باین کمی عایدات خوب میشود اداره کرد خصوصاً آنچه که می بینم نسبت بمخارج سلطنت با مالیات ملکیتی و عایدات ملکیت گویا پیش از صدی سهونیم نباشد تقصیر از عایدات است که کم است زیرا مالیات مستقیم و غیر مستقیم مایست و شش کرور است عجلتاً و این تقصیر از کمی بودجه کل ماست و آنچه که بنده میتوانم قطع داشته باشم و از خودم بگویم اینست که این بودجه که از مجلس شورای ملی گذشته است برای

مخارج درباری کافی نیست و شاید رئیس اجرای امر و زده حاضر باشد که دارائی خودش را اینجا صرف بکنند ولی شاید او را هم که رویش بگذاریم برای یکسال کفایت نکند ولی این چه جزو لازم دارد همان چیز را کالان از طرف دولت پیشنهاد شده است بتوسط یک کمیسیون عجلتاً دقیق شدن باین مخارج و بنده بمجلس دو مرتبه یک رأی سری بدهد گمان میکنم که این یک تقاضای بدی نباشد اما اینکه آقای رئیس الوزراء خواستند در خصوص اینکه همان مخارجی که در زمان اعلیحضرت محمدعلی میرزا داده میشد باز هم داده شود گمان میکنم فراموش شده است که مایک صد هزار تومانی هم باید بیرون بدهیم که آن هم تقریباً جزء مخارج سلطنتی است برای یک پادشاه م زول مخلوعی پس چون آن هم جزء مخارج سلطنتی است میتوان جمع بین این هر دو کرد و آن صد هزار تومانی را که مجبوریم بیرون بدهیم جزء آن بودجه سلطنتی محسوب کرد و کلاً رویهم رفته بودجه سلطنتی و آنچه که بیرون داده میشود همان باشد که سابقاً داده میشد تصور میکنم که کمیسیون لازم بوده که در اینخصوص یک رجوعی بوزارت دربار میکرد و از آنجا رأی نیابت سلطنت را میگرفت و این هم یک تقاضای است که تقریباً بر غفلتهای دیگر ملحوق شده است و کوائف شد این گفت .

**وزیر امور خارجه** - بیاناتیکه آقای مرتضی قلیخان فرمودند اولاً شبیه ندارد که آقای نائب السلطنه بهتر از همه صمیمیت و موافقت مجلس را با خودشان میدانند تمام افراد نمایندگان محترم کمال امتنان را اظهار کرده اند و ایشان هم امتنان دارند در این لایحه هم که تقدیم شد بنده است که شاید غالب از نمایندگان از مزیت اینکار استحضار نداشته اند پس اینهم پیش هیئت وزراء و نیابت سلطنت معین است و اما اینکه فرمودند کمیسیون نمیتواند اینکار را بکنند و هیئت وزراء این کار را بکنند اگر یک کار بی فائونی است مامم بخوایم بکنیم بیقانون است همانطوریکه مجلس حق ندارد در وزارت معین ندارد بودجه سلطنت بودجه جدا و یک کاسه باید باشد و هر طوریکه باید تقسیم بکنند میکنند و اگر بنا باشد که وزراء بتوانند مداخله در اینکار بکنند کمیسیون هم میتواند و اگر کمیسیون نمیتواند مداخله بکند ما هم نمیتوانیم هر دو یک حالت دارد پس هیئت وزراء هم که در اینخصوص مداخله نمی کنند برای اینست که آن مقصودیکه آقای نائب السلطنه دارند بالغصوم از مداخله وزراء حاصل میشود اینک خواسته اند کمیسیونی هم از مجلس تشکیل شده با وزراء متفق شود و در این باب مطالعاتی بکنند و ترتیب وضع آنستخراج را مشخص بکنند که مسئولیتش دیگر برای خودشان و هیئت دربار نمایندگانیست حاج وکیل الرعایا اظهار داشتند که صد هزار تومان از بودجه دربار دولت بمخارج داده میشود بنده که در اینجا نبودم لکن شنیده بودم که در زمان مجلس سابق بانصد هزار تومان نقد و بیچهار خرور از مجلس سابق بانصد هزار سلطنتی معین کرده بودند ولی این بانصد هزار تومان و پنج هزار خرور جنس را سلطنت قبول نکرد و فواعتت کرد و دو صد و بیست هزار تومان و پنج هزار خرور جنس علاوه خواست بطوریکه اینکار بجز بمشاجرات

شد و همانطور هم بالاخره بطوریکه معلوم میشود هملشان عمل هفتصد هزار تومان و ده هزار خرور جنس بوده است پس اگر چیزی مخارج داده میشد باید از آن هفتصد هزار تومان داده شود نه از بانصد هزار تومان دیگر اینکه میخواستم عرض کنم باید دید و بعد از آنکه بودجه مسترد شد آیا از طرف وزارت مالیه خود وزیر مالیه یا معاونش پیشنهاد بمجلس کرده اند که گذاشته اند بدهند مذاکره در بودجه را یا خیر و این یک تحقیقی است که خیلی لازم است و بالاخره چیزی که تصور میشود آقای نائب السلطنه را بتواند اقتناع کند اینست که یک کمیسیونی متعقد بشود که اگر بخواهند یک اقدامی بکنند لاقلاً یک تذکره بشود که یک نهایی باینکار بدهند بجهت اینکه آقای رئیس الوزراء هم مداخله در اینکار نمی کنند و باید بمقام اصلاح بر آمد بمقام اصلاح هم تا از طرف مجلس اقدامی نشود گمان میکنم اصلاح پذیر باشد خود آقای نائب السلطنه هم نخواهند در این باب یک کلمه اظهار کرده باشند و باین واسطه یک عده را از خودشان رنجانیده باشند و از طرف دیگر هم برای خودشان چندان مناسب نیست که ایشانرا طرف قرار بدهیم و یک عده نا راخی از ایشان باشند پس باید اینکار را که بی رویه واقع شده است اصلاح کرد حالا ممکن است کمیسیونی از طرف مجلس متعقد شود که با وزراء در اینباب یک مذاکره بکنند که واقماً این مخذور را بتوانند رفع کنند .

**حاج عمر الممالک مخیر کمیسیون** - گویا نکته اساسی که محل مذاکره شده است این بوده است که وقتیکه معاون وزارت مالیه بودجه را استرداد کردند مجدداً آیا بودجه دربار با اطلاع وزارت مالیه تصویب شده است یا خیر و این نکته که حل شده بقیه مسائل حل میشود در صورت مخیره کمیسیون بودجه اگر ملاحظه بشود خواهیم دید که وزیر مالیه معاون خودش را رسماً بکمیسیون بودجه معرفی کرده است و بعد از آنکه آن بودجه را استرداد کردند باز با حضور معاون وزارت مالیه مذاکره میشد و مستقیماً معاون وزارت مالیه رأی خودش را تقدیم کمیسیون کرد و کمیسیون بدون اینکه تغییری در آن بدهد بمجلس تقدیم کرد و بطوریکه ملاحظه شد همانطوریکه که پیشنهاد شده بود مجلس هم بدون مذاکره و تغییر در آن رأی داد و حالا بطوریکه وزراء پیشنهاد کرده اند و کمیسیونی خواسته اند با کمیسیون بودجه مذاکره شونده بعد هم طوری که اصلاح شده است پیشنهاد مجلس بشود .

**حاج آقا** - بنده می بینم چون آن نگاه نظر اصلی یکی از این رفته و در عوض مذاکراتی را که هیچ مربوط بآن نیست داخل شده ایم پس خوبست بدانیم اظهارات وزراء در این موقع راجع به چه نقطه نظری است یعنی آن رسوم معموله که در آوردن بودجه بمجلس معمول است در این بودجه که مهمترین بودجه های ملکیتی است بمثل بنامه یعنی بودجه که مرجع نیابت سلطنت عظمی است که باید بنظر نیابت سلطنت در آن ملحوظ باشد بدون اینکه آن نظر در این بودجه بشود بمجلس آمد و این خلاف معمول